

مصحف امام علی (ع)

بسم الله الرحمن الرحیم

مصحف امام علی (علیه السلام)

نویسنده:

محمد علی ایازی

ناشر چاپی:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مصحف امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: ایازی ، سید محمدعلی ، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: مصحف امام علی (ع) = Mos-haf-e Emam Ali/ محمدعلی ایازی .

مشخصات نشر: تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان چاپ و انتشارات ، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۲۴۷، [۱۲] ص . : نمونه .

فروست: دین = Religion.

شابک: ۳۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۲-۲۷۷-۱:

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی:.Moshaf'e Emam Ali

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه : ص . [۲۴۰] - ۲۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مصحف علی (ع)

موضوع: قرآن -- جمع و گردآوری

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رده بندی کنگره: BP۷۲/۴ /الف۹م۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۰۴۹۲

مقدمه

از بحث انگیزترین موضوعات تاریخ قرآن، بحث درباره مصحف امام علی (ع) است. این موضوع از چند جهت مورد بحث و گفت وگو است؛ از جهتی بحث درباره گردآوری قرآن و آغاز تدوین این کتاب آسمانی و از جهتی، تاریخچه تفسیر و علوم

قرآنی. پژوهش گران بسیاری می خواهند بدانند که مصحف امام چه بوده و آیا چنین کتابی وجود خارجی داشته و علی (ع) نخستین گردآورنده قرآن بوده است. دیگر آن که آیا این کتاب تنها نسخه ای از قرآن بوده است یا چیزی مفصل تر از قرآن، و اگر تنها قرآن بوده است، به چه ترتیبی و کیفیتی. آنان برآنند تا بدانند که مصحف علی (ع) به ترتیب نزول گردآوری و تنظیم شده است یا کسی این مصحف را ندیده و تنها گزارشی را نقل کرده است. پرسش دیگر درباره استناد به روایات مصحف است که آیا چنین روایاتی تنها در منابع شیعه آمده اند یا در منابع اهل سنت نیز نقل شده اند. پرسش های دیگری نیز هست که آیا میان کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) تفاوتی هست و یا این دو، مجموعه ای یگانه را تشکیل

می دهند؛ حدود دلالت و جایگاه نقل این روایات کجا است و از آن مهم تر، ویژگی های این مصحف بنابر همین دسته از اخبار چیست.

از آن جا که خلفای سه گانه مصحف علی (ع) را نپذیرفته اند و این کتاب هم اینک در دسترس نیست، گروهی قائل به تحریف قرآن شده اند. همین امر، جنجال هایی را درباره چگونگی محتوای مصحف پدید آورده و مباحث کلامی ویژه ای را پی ریخته و شبهه هایی را درباره اصل مسئله و چگونگی آن مطرح ساخته است. پژوهش درباره چگونگی این مصحف و پاسخ دادن به شبهه ها برای روشن شدن واقعیت بسیار سودمند است.

در آغاز این بحث می کوشیم واژه «مصحف» و پیشینه به کارگیری آن را در روزگار پیش از اسلام و پس از اسلام توضیح دهیم و آن گاه چگونگی استعمال این واژه را در روایات بررسی کنیم. سپس می کوشیم استنادات تاریخی و حدیثی مصحف را در منابع شیعی و سنی نشان دهیم و دیدگاه ناقدان و قرآن پژوهان را بازگوییم و به پژوهش نهیم. اما بی گمان، مهم ترین بخش پژوهش در آن جا است که ویژگی های مصحف و جلوه درونی و برونی اش را به بحث می گذاریم. همچنین، بایسته می نماید مقایسه ای میان مصحف امام و مصحف حضرت فاطمه (س) صورت پذیرد و تفاوت های جوهری آن ها شرح داده شود. در بخشی دیگر به ویژگی های مصحف امام علی (ع) پرداخته ایم. در این بخش، افزون بر ارزیابی روایات و استنادات، به شرح واژگان و روایات و تفسیر جمله های رسیده درباره ویژگی های مصحف - به ویژه در مبحث ترتیب نزول - نیازمندیم. در بخشی دیگر از پژوهش خویش، کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) را با یکدیگر مقایسه کرده ایم. از آن جا که روایاتی بسیار درباره کتاب

علی (ع) در منابع شیعه و سنی به چشم می آید، ویژگی های این کتاب را برشمرده ایم و این مسئله را مطرح ساخته ایم که آیا می توان مصحف علی (ع) را همان کتاب علی (ع) پنداشت. سرانجام، پایان بخش پژوهش حاضر را به طرح شبهه ها و پاسخ ها اختصاص داده ایم.

مصحف چیست

خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ ق) می گوید: «مصحف را بدان رو مصحف گویند که جامع نوشته های میان دو جلد است.» [۱] معمولاً مصحف از چند صحیفه و صحف سامان می یابد. [۲] نکته ای که بیش تر لغت پژوهان بر آن پای فشرده اند و آن را بر قید «جامعیت» افزوده اند، مکتوب بودن میان دو جلد است. تفاوت صحف و مصحف در این است که صحف عبارت از ورق ها و لوح هایی است که وقتی می خواهند آن ها را به یکدیگر پیوند زنند و مجموعه ای یگانه پدید آورند، میان دو لوح یا دو جلد می گذارند. از این روی گفته اند: المصحف هو الجامع للصحف المکتوبه بین الدفتین؛ «مصحف، مجموعه صحف مکتوبِ میان دو جلد را گویند.»

بنابراین، جای دادن قرآن در مصحف، بدین معنا است که اولاً آن را از حالت پراکندگی در آورده اند و ثانیاً میان دو جلد گذاشته اند. تفاوت میان قرآن و مصحف در همین است.

مصحف امام علی

پیش از هر چیز باید اطمینان یابیم که آیا چنین مصحفی وجود خارجی داشته است یا نه. برای این کار به گزارش مصادر و رجال نخستین حدیث، تاریخ و سیره نیازمندیم تا روشن سازیم چنین کتابی در دوران نخستین مطرح بوده و کتاب ها نیز از آن سخن گفته اند. در این جا در دو بخش به پژوهش می پردازیم و درباره راویان و مؤلفان شیعه و سنی سخن می گوییم.

راویان مصحف امام علی

راویانی که از وجود مصحف امام علی (ع) به صراحت سخن گفته اند و یا از موضوع گردآوری قرآن به دست حضرت یاد کرده اند، عبارتند از:

۱. سُلیم بن قیس هلالی (م ۷۶ ق) در احادیث چهارم، دهم، یازدهم، دوازدهم و چهل و دوم کتاب، به اصل مصحف امام علی (ع) و ویژگی هایش اشاره کرده است. [۳] گفتار سلیم درباره مصحف، به آن چه دیگران گزارش داده اند بسیار نزدیک است و از این رو در نقل وجود موضوع، با آن ها هماهنگ است. از سوی دیگر، سُلیم این خبر را از چند صحابی پیامبر و یاران نزدیک امام علی (ع) نقل کرده است؛ مانند ابوذر غفاری (م ۳۲ ق)، سلمان فارسی (م ۳۴ ق)، و ابن عباس (م ۶۸ ق).

۲. ابن عباس نیز از راویانی است که مستقلانه درباره مصحف سخن گفته است. به عنوان نمونه نقل است: قال ابن عباس: فجمع اللّٰه القرآن فی قلب علی و جمعه علی بعد فوت رسول اللّٰه بسته اشهر؛ [۴] «خداوند قرآن را در قلب علی بر نشاند و علی پس از پیامبر خدا، در شش ماه آن را گرد آورد.»

مصحف امام علی در منابع شیعه

گفتیم در بخشی از منابع و مصادر شیعی، از مصحف امام آشکارا سخن رفته است؛ گرچه از کتاب های معتبر چهارگانه شیعه، تنها الکافی از آن یاد کرده و شرحی مختصر آورده و درباره اش از امام صادق (ع) حدیث نقل کرده است. چنین گزارش هایی در دیگر کتاب های آن روزگار، کم و بیش به چشم می آیند که گاه در ضمن گفته و کلامی مربوط به رویدادهای عصر رسالت یا مربوط به کیفیت جمع قرآن آمده اند. به عنوان نمونه، شیخ صدوق در کتاب التوحید از جابر

بن یزید جعفی (م ۱۲۷ ق)، که از یاران امام باقر و صادق (ع) است، از امام باقر (ع) حدیثی درباره توحید و نفی تشبیه نقل می کند و زمان خطبه را معین کرده، می گوید: فی خطبه خطبها بعد موت النّبی بسبعه ایام و ذلک حین فرغ من جمع القرآن. [۵].

سُلیم بن قیس هلالـی در چنـدین روایت از مصـحف نـام برده و از آن جـا که او از اصـحاب نخستین امامـان به شـمار می رود، سخن گفتن او از مصـحف امام شایسـته توجه و تأمل است. در کتاب سـلیم این گزارش ها در حـدیث چهارم (ج۲، ص ۵۸۱)، یازدهم (ج ۲، ص ۶۵۹ و ۶۵۶)، دوازدهم (ج ۲، ص ۶۶۵) و چهل وهشتم (ج ۲، ص ۸۶۲) آمده است.

مصحف امام علی در منابع اهل سنت

خبر مصـحف امـام علی از اموری است که در منابع گوناگون اهل سـنت نقل شـده و با آن که بخش هایی از آن مورد بحث و تأمل بوده، باز در این کتاب ها منعکس شده است. در مواردی اهل سنت در قبول آن واکنش نشان داده و یا چون گمان کرده اند پذیرفتن این مصـحف مشـکلاتی تاریخی و اعتقادی به وجود می آورد، به توجیه و تفسـیر این پدیده پرداخته اند؛ در حالی که نفس انعکـاس این گزارش هـا در منـابع اولیه و قبول اصـلِ آن در برخی منـابع، حـاکی از واقعیت و اصـالت داشـتن آن در تاریخ بوده است.

اکنون به شماری از این مؤلفین و راویان اشاره می گردد:

۱. مقاتل بن سلیمان بلخی (م ۱۵۰) در تفسیرش که از نخستین تفاسیر اجتهادی و در حد خود بسیار مفصل می باشد، از کسانی است که به طور ضمنی به مصحف امام علی اشاره می کند. [۶].

۲. محمد بن سعد زهری (م ۲۳۰) وی از نخستین تاریخ نویسانی

است که به مصحف حضرت اشاره می کند. خوشبختانه اثر او باقی مانده است. ابن سعد در این کتاب تنها یک خبر، و آن هم از طریق اسماعیل بن ابراهیم، از ایوب و ابن عون، از محمد بن سیرین، درباره مصحف امام می آورد. [۷].

۳. محمد بن ایوب بن ضریس، معروف به ابن ضریس (م ۲۹۴) که مسئله نخستین گردآورنده و سوگند امام علی برای خانه نشستن را از ابن سیرین و عکرمه نقل کرده است. [۸].

۴. ابن ابی داوود سجستانی (م ۳۱۶) در کتاب المصاحف از کسانی است که خبر را آورده و آن را نقد کرده و از آن جا که مسئله نخستین گردآورنده برای وی و عده ای دیگر، چون ابن کثیر (م ۷۷۴) و ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) بسیار مهم بوده، به نقد و توجیه این روایت پرداخته اند.

۵. محمد بن عبداللّه بن اشته، معروف به ابن اشته (م ۳۶۰) یکی دیگر از کسانی است که مصحف امام را از طریق دیگری، به جز طریق سجستانی، نقل و حتی برای آن خصوصیاتی ذکر می کند. [۹].

۶. ابن ندیم (م ۳۸۰) در کتاب الفهرست با طریق دیگری خبر از مصحف امام می دهد. وی این روایت را از احمد بن جعفر بن محمد منادی (م ۳۳۲) از طریق خودش نقل می کند. [۱۰].

ناقدان سنی مصحف امام علی

گروهی از قرآن پژوهان و حدیث شناسان از اهل سنت، اخبار مصحف علی (ع) را دارای اشکالاتی دانسته اند و به همین دلیل وجود آن ها را منکر شده اند و اخبار رسیده را به گونه ای تفسیر و توجیه کرده اند. اشکالات یاد شده به شرح زیرند:

۱. روایات مصحف امام با روایاتی دیگر ناسازگارند؛ روایاتی می گویند: نخستین گردآورنده قرآن ابوبکر است. از قضا، برخی از همین

روایات، از امام علی (ع) و از طریق راویانی نقل شده اند که روایات مصحف امام را نقل کرده اند.

۲. روایات ابن سیرین از امام علی (ع) محل مناقشه است؛ زیرا طریق ابن سیرین به امام علی (ع) منقطع است. [۱۱] محمد بن سیرین متولد سال ۳۳ و متوفای سال ۱۱۰ قمری است، در حالی که امام علی (ع) در سال چهلم قمری به شهادت رسیده است. از این رو، هنگام شهادت آن حضرت، ابن سیرین هفت ساله بوده و نمی توانسته بی واسطه از امام خبر نقل کند. از سویی دیگر، واسطه خبر نیز نامشخص است. ابن حجر در فتح الباری در شرح صحیح بخاری، این اشکال را مطرح ساخته است. [۱۲] کسانی دیگر نیز به این اشکال اشاره کرده اند؛ مثلاً سیوطی بی آن که اظهار نظر کند، اشکال را از او نقل کرده است. [۱۳] اما این اشکال در صورتی وارد است که خبر ابن سیرین منحصر به همین طریق باشد؛ در صورتی که ابن ضُریس، از نضر بن شُمیل به نقل از عوف از ابن سیرین از عکرمه، دو خبر را نقل کرده و هر دو خبر درباره گردآوری و کیفیت تنظیم مصحف امام است. [۱۴] در این صورت، واسطه میان ابن سیرین و امام، عکرمه است و خبر از انقطاع درمی آید. عکرمه بربری، مولای عباس، از کسانی است که حضرت را به خوبی درک کرده و در شمار خوارج بوده است.

۳. بر فرض که مشکل انقطاع حل شود، طریق خبر دارای مشکل است؛ زیرا اشعث بن سوار کندی از محمد بن سیرین نقل می کند و اشعث «لین الحدیث» است؛ یعنی کسی است که در نقل خبر از دیگران تساهل

می کند. [۱۵].

دیدگاه مورخان و مفسران درباره مصحف امام علی

آن چه تا کنون بیان شد، نقل روایات در منابع اهل سنت و شیعه بود و نقل، اعم از پذیرش و قبول است، ولی برخی از محدثان اهل سنت به نقد این روایات برآمده اند یا کسانی مانند سُلیم بن قیس و طبرسی و ابن شهرآشوب، از موضع قبول و دفاع به نقل این اخبار پرداخته اند؛ اما در این نوشته ها، کم تر تحلیلی مستقل از روایات انجام گرفته است. کسانی دیگر نیز هستند که به نقل مستندات تاریخی بسنده نکرده و به تحلیل آن ها پرداخته اند. یعقوبی (م ۲۹۲ ق) از این کسان است که به تفصیل درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده و با بیانی ویژه درباره چگونگی مصحف سخن گفته و از ترتیب خاص سوره ها گزارش داده است؛ بی آن که منابع گفتار خویش را برشمارد. از آن جا که وی از نخستین کسانی است که درباره مصحف نظریه ای مطرح ساخته و با شرحی گسترده آن را وصف کرده است، نوشته های او از نظر تاریخی بسیار مهم و شایسته توجه به نظر می رسند؛ هر چند مطالب او جای نقد و تأمل بسیار است. او در گزارش خویش می نویسد:

برخی روایت کرده اند که علی بن ابی طالب، پس از وفات پیامبرخدا، آن را فراهم ساخته و بر شتری نهاده و پیش جمعیت آورده و گفته است: هذا قرآن قد جمعته؛ «این قرآنی است که من گردآورده ام.» حضرت آن را به هفت جزء و بخش تقسیم کرده بود. برخی گفته اند که علی گفته است: «قرآن بر چهار بخش نازل شده است.»

از نکته های دیگر، توضیحات یعقوبی و نامگذاری وی بر سوره ها است که با گزارش دیگران متفاوت است؛ مثلاً ـ سوره قصص را به نام

سوره «موسی و فرعون» و سوره جاثیه را به نام سوره «زُمر شریعت» وصف کرده است، یا در بسیاری از موارد نام سوره را با آیه نخست آن آورده؛ مانند سوره «انّا اعطیناک الکوثر»، سوره «انّا ارسلنا نوحاً» و سوره «قل اوحی الیّ.» [۳۱].

یکی دیگر از کسانی که به مصحف امام در چند جا اشاره کرده است، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (م ۴۱۳ ق) است. او در کتاب اوائل المقالات، به مناسبت نقد قائلین به تحریف و این که از قرآن کنونی هرگز کلمه، آیه و سوره ای حذف نشده است، اصل وجود مصحف و شیوه مطالب آن را پذیرفته و تنها از این رو که برخی گمان کرده اند پذیرش وجود مصحف، اعتراف به تحریف قرآن است، توضیح می دهد که مطالب گرد آمده در مصحف، در تفسیر و تأویل قرآن و متکی بر وحی است، اما نص قرآنی نیست. [۱۷] همچنین در کتاب مسائل السرویه می نویسد:

بی گمان، امیرمؤمنان قرآن نازل شده را از آغاز تا فرجام گرد آورده و بر طبق ترتیب نخستین تألیف کرده است؛ سوره های مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم داشته و هر آیه و سوره ای را در جای خویش برنهاده است. از این رو، امام جعفر بن محمد صادق (ع) فرموده است: «به خدا سوگند، اگر قرآن، چونان که نازل شده بود خوانده می شد، بی گمان نام ما را در آن می یافتید؛ همان گونه که نامِ پیشینیان ما در آن یافت می شد.» [۱۸].

این سخن نیز آشکار می سازد که در دیدگاه شیخ مفید، وجود مصحف امام مسلم بوده است. درباره دیدگاه شیخ مفید در باب ترتیب مصحف به ترتیب نزول یا عدم آن،

پس از این سخن خواهیم گفت.

محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ ق) در مقدمه تفسیر مفاتیح الاسرار، آنان را که مصحف امام علی (ع) را به کنار نهادند، با لحنی بازخواست کننده، مورد خطاب قرار می دهد و می نویسد:

چگونه آنان گردآوری علی بن ابی طالب را مطالبه نکردند؟ آیا زید بن ثابت بهتر می توانست بنویسد؟ آیا سعید بن عاص ادیب تر و به فنون و قواعد عرب آشناتر بود یا علی؟ آیا آنان به پیامبر خدا نزدیک تر بودند یا ایشان؟ آری، همه آنان کار علی (ع) را وا نهادند و مصحفش را به کنار گذاردند و فراموشش کردند، در حالی که چون از تجهیز و تدفین و نماز بر رسول خدا فارغ شد، سوگند یاد کرد که عبای خویش را جز برای نماز جمعه بر دوش نیندازد مگر آن که قرآن را گرد آورد. بی گمان، او مأمور این کار بود. قرآن را گرد آورد؛ چونان که نازل شده بود، بی تحریف و تبدیل و کم و زیاد. پیامبر گرامی همواره او را از موضع آیات و سوره ها آگاه کرده بود و جایگاه و تقدم و تأخر آن ها را نشان داده بود.

ابوحاتم رازی [م ۳۲۷ ق] در وصف مصحف امام علی گفته است که او هر آیه ای را در کنار آیات مشابهش برنهاده بود. برخی دیگر گفته اند که در مصحف امام علی، مطالب در دو بخش متن و حواشی بوده است؛ در متن قرآن کریم بوده است و در حاشیه مصحف، مباحث مربوط به آیه. [۱۹].

در میان نویسندگان و مفسران پیشین، کم تر کسی مانند شهرستانی به تفصیل از این موضوع سخن گفته و به ترتیب مصحف پرداخته است. چنان که گفته آمد، گزارش وی تنها

نقل روایت نیست، بلکه وصف و تحلیل و نقد است. ابن ابی الحدید (م ۶۵۵ ق) در شرح نهج البلاغه نیز چنین کرده است. او در آغاز کتاب، به مناسبت ذکر فضایل امیرمؤمنان (ع)، به مسئله گردآوری قرآن اشاره می کند و این که علی (ع) نخستین کسی است که پس از پیامبر بدین کار پرداخته است. او می نویسد:

همه بر این باورند که علی (ع) قرآن را در زمان پیامبر از بر کرده و کسی دیگر جز او چنین نکرده بود و او نخستین کسی بوده که قرآن را گرد آورده است. گفته اند که او در بیعت با ابوبکر تأخیر ورزیده است، و اهل حدیث معتقدند این که شیعیان می گویند نشستن او در خانه برای دوری از بیعت بوده است، درست نیست، بلکه برای اشتغال به گردآوری قرآن بوده است و این دلیل بر آن است که او نخستین گردآورنده قرآن است. [۲۰].

ابن ابی الحدید به مناسبت ذکر حوادث پس از پیامبر، افزون بر این که به گردآوری قرآن در مصحف واحد اشاره می کند، به موضوعی می پردازد که کم تر در متون تاریخی و حدیثی به چشم می آید و آن موضوع همکاران حضرت در گردآوری مصحف است. [۲۱].

یکی دیگر از مفسران اهل سنت که درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده است، ابن جُزَی کلبی (م ۷۴۱ ق) است. او در مقدمه تفسیر التسهیل لعلوم التنزیل می نویسد:

قرآن در عهد رسول خدا در صحیفه ها و سینه های مردم پراکنده بود. چون حضرت وفات کرد، علی بن ابی طالب در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول گرد آورد. اگر مصحف او یافت می شد، در آن دانستنی هایی بسیار می توانستیم بیابیم، اما افسوس که یافت نشد. [۲۲].

نکته شایسته توجه

در این سخنان آن است که اولاً ـ ابن جُزی مصحف علی (ع) را نخستین مصحف کامل پس از پیامبر، و علی (ع) را نخستین گردآورنده می داند. دیگر آن که او مصحف علی (ع) را به ترتیب نزول می داند، اما مدرک سخن خویش را باز نمی گوید. سوم آن که مصحف را تنها نسخه ای از قرآن نمی داند؛ زیرا درباره اش می گوید: «لکان فیه علم کبیر.» مراد از تعبیر «علم کبیر» باید مطالبی دیگر، جز قرآن باشد. سرانجام این که، گفتار او نشان می دهد که در عهد ابن جُزی این مصحف در دسترس نبوده و او تنها بر اساس گزارش های متون قدما از آن سخن گفته است.

از میان متأخرین، کسانی بسیار به وصف مصحف امام علی (ع) پرداخته اند؛ مانند فیض کاشانی، [۲۳] ابوعبدالله زنجانی، [۲۴] آیت الله خویی، [۲۵] علامه عسکری، [۲۶] سید جعفرمرتضی عاملی، [۲۷] ابن خطیب در کتاب الفرقان [۲۸] و ملاحویش آل غازی در تفسیر بیان المعانی. [۲۹].

در این میان، برخورد متأخرین متفاوت است: برخی با تفصیلی بیش تر به موضوع پرداخته اند و برخی با اختصار؛ مثلاً جعفر نکونام، کتابی درباره مصحف امام نگاشته و یا اکرم برکات عاملی، کتابی در حقیقت مصحف فاطمه (س) از دیدگاه شیعه برنوشته و بخشی از کتاب را به مصحف امام علی (ع) اختصاص داده است، و فتح الله محمدی در پاسخ به شبهه های ناصرعلی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه به دفاع از مصحف امام علی (ع) پرداخته و پذیرفتن این مصحف را مساوی اعتقاد به تحریف ندانسته است.

از نگاه دیگر، در میان متأخران، کیفیت و ویژگی های مصحف امام علی (ع) و پاسخ به شبهه های قائلین به تحریف مهم بوده است؛ مثلاً آیت الله خویی در یک جمع بندی درباره

شبهه های قائلین به تحریف می نویسد:

تسالم علمای اعلام بر وجود مصحف امام، ما را از اثبات این کتاب بی نیاز می کند و از این رو به بحث درباره این مصحف پای نمی نهیم. اما این که برخی پنداشته اند مصحف مشتمل بر چیزهایی افزون بر قرآن است، به این معنا نیست که آن چه افزون است، از قرآن باشد، بلکه زیاداتی تفسیری و بیان تأویلی است. [۳۰].

وی آن گاه به تفصیل در تحلیل و تفسیر روایات مصحف امام وارد می شود که در ذکر ویژگی های مصحف به آن ها خواهیم پرداخت.

سید جعفرمرتضی عاملی نیز در آغاز بحث خویش این پرسش را مطرح می کند که آیا مصحف امام همان مصحفی است که نزد پیامبر بود و به حضرت وصیت کرد که آن را گرد آورد یا مصحف مستقل دیگری است؛ ثانیاً این مصحف با مصحف کنونی سازگار است یا ناسازگار، و اگر ناسازگار است، ناسازگاری اش از چه نوعی است؛ ثالثاً حجم این مصحف چقدر بوده و مصادری که از وجود این مصحف خبر می دهند، تا چه حد قابل اعتماد و اعتنایند. او به اشکالات قائلین تحریف می پردازد و بدون آن که بخواهد پرسش های فوق را پاسخ دهد، ویژگی های مصحف امام را بر می شمارد. [۳۱].

چگونگی مصحف امام علی

پیش از این به منابع شیعی و سنی مصحف امام اشاره کردیم و گفتیم این روایات در منابع اصلی شیعه و سنی نیامده اند و بیش تر به ضعف سند دچارند. [۳۲] با این همه، شمار روایات یادشده چنان بسیار است که دیگر نمی توان در اصل مصحف تردید کرد، و گویی از مجموع آن ها بسان اخبار مستفیض اطمینان حاصل می گردد. از این رو، بحث سندی را باز نمی کنیم و ناگزیر به ویژگی های مصحف و چگونگی محتوای

آن می پردازیم.

نخستین پرسش این است که آیا مصحف امام علی (ع) قرآن بوده یا نه، و اگر قرآن بوده، آیا افزون بر قرآن مطلبی دیگر نیز در خود داشته است. پرسش های دیگر این است که تفاوت مصحف امام علی (ع) با سایر مصحف های عصر رسالت – مانند مصحف ابی بن کعب و مصحف عبداللّه بن مسعود – چه بوده است؛ چه تفاوتی میان مصحف امام با مصحف حضرت فاطمه (س) می توان یافت و نسبت میان مصحف امام علی (ع) و کتاب علی (ع) چیست.

ویژگی های مصحف امام علی

ویژگی های مصحف امام را در گزارش های رسیده می توان در دو بخش یافت. اول، بخشی است که جنبه اساسی دارد و در حقیقت، ویژگی های این مصحف را سامان می دهد که در بحث های آینده به آن خواهیم پرداخت. اما بخشی نیز مربوط به نشانه های ظاهری و در همان حال کارگشا در شناخت سیمای کلی مصحف است.

۱. مصحف امام همه قرآن را در بر داشته است، نه برخی سوره ها یا آیه ها را؛ برخلاف برخی مصحف هایی که صحابه گرد آورده اند که گاهی چند مصحف مکمل یکدیگر بوده اند. در روایت چهارم سلیم بر این حقیقت تصریح شده و آمده است: فلما جمعه کله ... بعث الیه ابابکر. [۳۳] یا در روایت دیگر آمده است: لم یسقط منه حرف. [۳۴].

۲. از سوی دیگر، اگر مصحف امام پیش از زمان مورد بحث نیز نوشته شده باشد، بار دیگر توسط حضرت کتابت و کامل گشته است. به ظاهر، روایات بر این نکته عنایت داشته اند که تأکید شود حضرت کاتب نداشته و خود، به دست خویش، مصحف را نگاشته است. این حقیقت را از چند روایت می توان برگرفت. در روایت دهم

سُلیم آمده است: فکتبته. [۳۵] و در روایت چهارم آمـده: و کتبه بیـده. و در روایت یازدهم آمده: وخط یدی. [۳۶] در جاهای دیگر نیز این تعبیر آمـده است که آن مطـالب بـا املاـی رسول اللّه (ص) و خـط امیرمؤمنـان (ع) بوده است. البته در منـابع اهل سنت، نکته مورد نظر، بیش تر بدون صراحت آمده است: فَألّفه و کَتَبه. [۳۷].

۳. نکته دیگر، چگونگی گردآوری و نگاشـتن است. آیا این گردآوری به صورت اوراق پراکنده بوده یا طوماری در کار بوده است؟ بـا وضـعیت نوشت افزارهای آن روزگار، که هنوز کاغـذ در جزیره العرب موجود نبوده و پوست حیوانات قیمتی نیز در اختیار همه نبوده و اگر بوده به شکل کنونی میان دو جلد نبوده، امام مصحف را چگونه نگاشته است؟

روایات با تعبیرهایی گوناگون به این پرسش ها پاسخ داده اند. بنا بر برخی روایات، جمع آوری مصحف در میان دو لوح بوده است: قد جمعتُهُ مِن اللّوحینِ؛ [۳۸] حتّی یجمع القرآن بین اللّوحین. [۳۹] البته معلوم نیست معنای این دو عبارت متفاوت اسـت یا نقل به معنا و اختلاف در تعبیر است. در روایتی دیگر آمده است که حضرت این مصحف را در پارچه و لباس نگاشته است، [۴۰] در حالی که در جایی دیگر رنگ پارچه نیز مشخص شده است: فجمعه فی ثوب اصفر. [۴۱].

۴. نوع گردآوری، بـدیع و ابتکـاری و انحصاری بوده است. عکرمه، که از مخالفان حضـرت به شـمار می آیـد، از این حقیقت سخن گفته است: لو اجتمعت الاـنس والجنّ علی ان یؤلّفوه ذلـک التـألیف مـا اسـتطاعوا. [۴۲] در روایـتی دیگر، همین معنـا از طریق شیعه نقل شده و آمده است که مانندش را در جمع و حفظ کسی نیاورده

و در این جهت که کسی بتواند شرایط نزول را رعایت کند، کاری بی نظیر بوده است. [۴۳].

محتوای مصحف امام علی

اگر مستند خبر مصحف امام، روایات جمع قرآن پس از رحلت پیامبر باشد، در آن ها به گونه ای صریح سخن از جمع قرآن رفته و چنین عبارت هایی آمده است: حتّی یجمع القرآن؛ [۴۴] لا ـ اَخْرُجُ حتّی أَجْمَعَ القرآنَ؛ [۴۵] ففرغ الی کتاب اللّٰه و أخذ یجمعه فی مصحف؛ [۴۶] المصحف الّذی جمعه امیرالمؤمنین. [۴۷] بنابراین، روشن می شود که سخن از کاری در زمینه قرآن بوده است و هر چند در آن روزگار، اصطلاح «مصحف» برای غیر قرآن به کار می رفته و یا برای موارد مشترک می آمده، در این جا مراد از مصحف، قرآن بوده است. مصحف فاطمه (س) قرآن نبوده و حتی در جرگه کتاب های تفسیری نیز قرار نداشته است. بنابراین، نباید مصحف امام را در ردیف مصحف فاطمه (س) قرار داد. چنان که توضیح خواهیم داد، امامان می کوشیدند که نشان دهند مصحف فاطمه (س) به هیچ رو قرآن نیست تا مبادا این اشتباه به موارد دیگر راه یابد و یا نقل از مصحف فاطمه (س) به عنوان نقل از قرآن تلقی شود.

از سوی دیگر، این که محتوای مصحف، تنها قرآن است و مطالبی جز قرآن در آن نیست، مورد اتفاق مورخان و مفسران است. پیش از این، از شیخ مفید نقل کردیم که درباره مصحف حضرت گفته است: آن چه در مصحف حضرت آمده، تأویل و تفسیر معانی و مطالبی است که از کلام اللّٰه به حساب نمی آیند. [۴۸] فیض کاشانی نیز به صراحت در مقدمه ششم تفسیر خود می نویسد: «معلوم است که حکم به تعیین ناسخ و منسوخ در آیات از قبیل تفسیر و بیان

است، نه این که جزو قرآن باشد.» [۴۹].

ابوعبدالله زنجانی (م ۱۳۱۹ ش) نیز درباره مصحف امام می نویسد که این مصحف، مرکب از هفت جزء و حجم آن چنان گسترده بوده که حضرت مجبور شده است برای حمل آن از شتر بهره گیرد. [۵۰] آیت الله خویی نیز بر آن رفته است که این مصحف، مشتمل بر زیادتی افزون بر قرآن بوده است، اما روشن است که این، بدان معنا نیست که افزوده ها از قرآن باشند، بلکه زیاداتی تفسیری و تأویلی بوده اند. [۵۱].

ریشه این برداشت در خود روایات است که آشکارا باز می نمایند این مصحف، تنها قرآن نبوده است. در روایات سُلیم بن قیس آمده است: فلمّا جمعه کلّه و کتبه بیده تنزیله و تأویله و النّاسخ منه والمنسوخ ... [۵۲] اگر مصحف تنها قرآن است، دیگر کتبه بیده تنزیله و تأویله معنا ندارد، و بی گمان توضیح و تفسیر آیه ها مراد بوده است تا میان تنزیل و تأویل، و ناسخ و منسوخ تفاوت گذاشته شود؛ به ویژه که در ذیل همین خبر آمده است: حضرت اتمام حجت می کند که مباد روزی برسد و بگویند علی، کسی که از پیامبر این آیات را آموخته و تأویلشان را برگرفته، چرا ما را در غفلت گذاشته و ناآموخته هایمان را باز نگفته است. [۵۳].

در خبری دیگر از سُلیم آمده است که حضرت خطاب به عثمان می گوید:

اِنّ کلَّ آیهٍ أَنزلهااللّهُ - جلّ و علا - علی محمّدٍ - صلّی اللّه علیه و آله - عندی بإملاء رسولِ اللّه و خطِّ یدی و تأویل کلِّ آیه انزلهااللّه علی محمّد و کلّ حلالٍ و حرامٍ أَو حدّ أَو حکمٍ أَو شی ءٍ تَحتاجُ إِلیه الامّهُ الی یوم القیامه مکتوبٌ

بإملاءِ رسول اللّه و خطِّ یدی حتّی أَرش الخدش؛ [۵۴] «بی گمان هر آیه ای که خداوند بر پیامبرش (ص) نازل کرده، پیش من است به املای او و دست خط من. و تأویل هر آیه ای که خدا بر پیامبرش نازل کرده و هر حلال و حرام یا حد و حکم و هر چیزی که مردم تا روز قیامت بدان نیازمندند، با املای پیامبر خدا و خط من نوشته شده است؛ حتی جریمه خدشه ای که بر بدن کسی وارد کنند.»

از این خبر به خوبی می توان دریافت که افزون بر ذکر آیات، تأویل آن نیز در مصحف آمده است و تأویل غیر از قرآن است. همچنین، توضیح هر حلال و حرام یا بیان حدود و احکام و نیازهای امت اسلامی تا قیامت، در این مصحف مذکور بوده است. اگر منظورْ خود آیه ها و سوره ها باشد، وجهی برای ذکر آن ها نبود و تفاوتی میان این مصحف و مصحف های دیگر به شمار نمی رفت و دیگر نیازی نبود که در ذیل روایت بیاید: انَّ رسولَ اللّه اَسرّ إِلَیَّ فی مرضِهِ مفتاحَ أَلف بابٍ من العلمِ یَفْتَحُ کُلُّ بابٍ أَلفَ باب. این که پیامبر در هنگام رحلت، کلید هزار باب دانش را به علی می دهد تا آن ها را بنویسد، چیزی جز قرآن بوده که حضرت علی (ع) آن را آموخته و به کتابت درآورده است.

مصحف امام علی و دیگر مصحف ها

روایاتی بسیار در دست است که در زمان پیامبر و پس از آن، مصحف هایی فراوان، متعلق به یاران پیامبر، موجود بوده است. همچنین، از تابعین نیز هر کس می توانست، مجموعه ای از برخی آیات الهی یا همه قرآن را برای خود گرد می آورد؛ به گونه ای که تا سال ها بعد، مصحف شخصی

- گذشته از این که برای انجام فرایض مذهبی و خواندن قرآن لازم بود، یا برای آموزش مسلمانان و کودکان و نومسلمانان ضروری می نمود - نشانه تشخص نیز به شمار می رفت و مالکیت صحیفه برای مسلمانان گونه ای ارزش اجتماعی محسوب می شد. [۵۵].

مصحف ها چنان ارزشمند بودند که گروهی کتاب هایی به نگارش درآوردند و مصحف ها را به صورت منطقه ای به معرفی گذاردند؛ مانند مصاحف شام، مصاحف حجاز و عراق، از ابن عامر (م ۱۱۸ ق)، یا در پی مقایسه آن ها برآمدند؛ مانند کتاب اختلاف مصاحف اهل مدینه و اهل کوفه و اهل بصره، از کسایی (م ۱۸۹ ق)، یا مستقلانه به معرفی مصحف ها پرداختند؛ مانند کتاب المصاحف والهجاء، نوشته محمد بن عیسی اصفهانی (م ۲۵۳ ق)، کتاب المصاحف، نوشته ابوبکر بن ابی داوود سجستانی (م ۳۱۶ ق)، المصاحف، نوشته ابن انباری (م ۳۲۷ ق)، المصاحف، نوشته ابن اشته اصفهانی (م۳۶۰ق) و المصاحف، نوشته ابن قصم (م ۳۶۲ ق). [۵۶].

رامیار در پژوهش خود درباره مصاحف صحابه در حیات پیامبر، از صاحبان چندین مصحف یاد می کند؛ از آن جمله، حمزه عموی پیامبر که پیش از شهادت، مصحفی برای خود ترتیب داده بود و ابی بن کعب، ابوالدرداء، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوزید، عباده بن صامت و ابوایوب انصاری. البته پس از زمان رسول خدا (ص) کار تدوین مصاحف و مجموعه های شخصی، از تدوین مصحف های آیات الهی رایج تر شد؛ و می توان گفت که ۲۳ نفر از صحابه دارای مصحف بوده اند. [۵۷].

سرنوشت مصحف ها

پس از رحلت پیامبر، مصحف هایی گرد آوردند و بر اساس آن ها نسخه هایی باز نوشتند؛ تا آن جا که افراد برای فراهم آوردن مصحف خود، یکی از مصحف های صحابه را نمونه قرار می دادند، و همین، مایه

رواج مصحف در هر شهر شد. از این رو، هر مصحف نشانه و ویژگی شهری را با خود داشت و بدین سان تا سال ها مصحف ابی بن کعب در دمشق، مصحف ابن مسعود در کوفه، مصحف ابوموسی در بصره و مصحف مقداد - و بنا بر روایتی معاذ - در حمص رواج داشت. [۵۸] اما با گسترش فتوحات، ملت هایی مختلف به اسلام گرویدند؛ مردمی که نه زبان قرآن را می دانستند و نه با فرهنگ و آداب و رسوم عرب آشنا بودند. کار قرآن خواندن برای اینان دشوار بود. از سویی دیگر، قرآن میان مردم عرب بیش تر به گونه انتقال شفاهی و با اتکا به حافظه قرائت می شد و آنان کم تر از خط و کتابت سود می بردند. خط آن روزگار نیز، خود، مشکلی بود و کلمه ها از نقطه گذاری و اعراب بی بهره بودند و هر کسی نمی توانست از مصحف ها سود بَرَد. در چنین شرایطی زمینه نادرست خوانی فراهم شد و بیم آن می رفت که لهجه ها و سلیقه ها و قرائت های گوناگون به اساس قرآن آسیب رسانند.

برای سامان یافتن این وضع، می باید گروهی از حافظان، قاریان و مصحف داران گرد می آمدند و به ثبت قرآن و یگانه ساختن مصاحف روی می آوردند. سرانجام، عثمان به این کار روی آورد و برای این که بتواند این حرکت را سامان بخشد و راه را برای یگانه سازی مصاحف باز کند، تصمیم گرفت مصحف های دیگر را گرد آورد و نابود سازد. او دستور داد همه کتیبه ها، نوشته ها، استخوان ها و سنگ های نازک سپید را، که صحابه آورده بودند و آیات قرآنی را بر آن ها نوشته بودند، از میان ببرند تا دیگر نزاع و اختلافی در میان نباشد و همه مسلمانان،

یکپـارچه، به متنی یگانه روی آورنـد. خلاصه آن که او دسـتور داد هر جا و نزد هر کسـی مصـحفی مخالف آن چه آنان گرد آورده اند یافته شود، نابودش سازند و مردم را به یک نسخه فرا خوانند. [۵۹].

با این همه، هر قدر برای از میان بردن دیگر مصاحف می کوشیدند، دارندگان مصاحف بر مقاومت خویش می افزودند؛ چنان که تا سال ها پس از این ماجرا، برخی مصاحف همچنان موجود بودنـد، ولی انـدک اندک همان ها نیز نابود شدند و اثری جز نام از آن ها باقی نماند.

مصحف امام علی و مصحف فاطمه

چنان که گـذشت، بنابر روایات، محتوای مصـحف امام علی (ع) کلمات وحی الهی بوده است. نیز گـذشت که در آن روزگار واژه «مصـحف» را برای کتـاب هـایی دیگر نیز به کار می برده انـد و تنها به نسـخه های قرآنی مصـحف نمی گفته انـد. درباره مصحف فاطمه (س) نیز همین حقیقت، صادق است. بر اساس منابع گوناگونی که از کتاب یا مصحف دخت پیامبر اکرم (ص) سخن گفته اند، می توان دریافت که حضـرت پس از رحلت پیامبر این مصحف را نگاشته است. نگارش این مصحف بر اساس دریافت های معنوی و غیبی او و برای تسـلای خاطر و تحمل رنـج گران فقـدان پدر انجام گرفته است. بنابر این روایات، فاطمه (س) دریـافت هـای خویش را بـاز می گفته و امیرمؤمنان آن ها را می نوشـته است: فجعل امیرالمؤمنین یکتب کلما سـمع حتی اثبت من ذلک مصحفاً. [۶۰].

بنابر برخی دیگر از روایات، مصـحف فاطمه (س) از نظر حجم سه برابر قرآن بوده است. [۶۱] نکته مهمی، که روایات بسیار بر آن پای فشـرده اند، آن است که مصحف حضرت فاطمه (س) قرآن نبوده [۶۲] و حتی در این کتاب احکام شریعت و حلال و حرام نیز مذکور نبوده است؛

تا برخی گمان کنند از این روایات بوی تحریف قرآن به مشام می رسد و یا مصحف فاطمه (س) کتابی است در مقابل قرآن.

مصحف حضرت، امثال و حکم و موعظه و سخنان عبرت آمیز و اخبار بوده است. کلینی بنابر روایتی از امام صادق (ع) نقل می کند که مصحف فاطمه (س)، وصیت آن بانو بوده است. [۶۳] همچنین، در برخی اخبار آمده است که در این مصحف، اخبار و اسرار زمان آینده مذکور بوده است. [۶۴] بنابراین، کاربرد واژه «مصحف» بر کتاب فاطمه (س) از این رو بوده است که هر نوشته میان دو جلد را «مصحف» می گفته اند؛ چنان که نوشته مرتب و منظم را «دیوان» می گفته اند و دیوان، مدون ساختن و به گونه کتاب در آوردن است، ولی اندک اندک، کتاب شعرا را دیوان خوانده اند. اصطلاح مصحف نیز چنین بوده است و به تمام نوشته های مدون، مصحف می گفته اند، اما بعدها تنها برای قرآن از آن سود جسته اند؛ تا جایی که اگر کسی واژه «مصحف» را بر زبان می آورده، مردم قرآن را نشان می داده اند. همین زمینه ای گشت تا برخی درباره مصحف فاطمه (س) به اشتباه افتند. درباب مصحف فاطمه (س) مطالب بسیار دیگری مطرح است که از حوصله این مقال بیرون است. [۶۵].

بدین سان، تفاوتی بنیادین میان مصحف امام علی (ع) و مصحف فاطمه (س) در کار است. مصحف امام علی (ع) بر اساس متن قرآن و نسخه پیامبر سامان یافته و مصحف فاطمه (س) بر اساس دریافت های معنوی و غیبی و الهام های دوران سخت فراق پدر. نکته دیگر آن که، بنابر روایات شیعه، از نشانه های امامت که می توان به وسیله آن امام معصوم راستین را از دیگران باز شناخت، این است

که مصحف فاطمه (س) و جفر و جامعه نزد او است. امامان گاه در مقام احتجاج از این نشانه سود برده اند. در این گونه روایات، از مصحف فاطمه (س) بسان کتابی مستقل یاد شده است؛ مانند: خلفت فاطمه مصحفاً ما هو القرآن؛ [۶۶] عندی مصحف فاطمه لیس فیه شی ء من القرآن؛ [۶۷] مصحف فاطمه ما فیه آیه من القرآن. [۶۸].

ویژگی های مصحف امام علی

آن چه در روایات درباره ویژگی های مصحف امام علی (ع) آمده، تفسیرپذیر است و جای نقد و بررسی دارد. از این رو، در آغاز باید ویژگی ها را بر شمرد و سپس از معنا و تفسیر آن ها سخن گفت و به نتیجه بحث رسید و چهره راستین مصحف را باز شناخت.

کتاب علی

با عنایت به اختصار مقاله حاضر، در این جا فقط ویژگی های مصحف امام را، فهرستوار، می شماریم و توضیح در باره آن ها را به مجالی دیگر وامی گذاریم:

۱. ترتیب بر حسب نزول؛

۲. ذکر ناسخ و منسوخ؛

۳. اشتمال بر تأویل؛

۴. اشتمال بر تنزیل؛

۵. بیان محکم و متشابه؛

۶. تفصیل احکام؛

۷. ذکر اسامی اهل حق و باطل؛

۸. املای پیامبر و انشای علی.

چون در منابع حدیثی شیعه جست وجو کنیم، درمی یابیم که امامان، احادیثی را از نوشته ای به نام «کتاب علی» نقل کرده اند. آن پاک نهادان، ده ها بار در گفتار خود تعبیرهایی چنین آورده اند: وَجَدنا فی کتاب علی؛ فی کتاب علی کذا؛ هکذا فی کتاب علی؛ ذلک فی کتاب علی. بیش تر این روایات از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده اند و از دیگر امامان بسیار اندک نقل گشته اند. [۶۹].

بنابر این، وجود کتاب علی (ع)، بنابر روایات متواتری که در منابع آمده اند، تردیدناپذیر است، اما در این جا چند پرسش

مطرح است:

اول. این کتاب از چه سخن می گفته است؛ آیا از مقوله تفسیر بوده یا از محتوایی حدیثی، تاریخی و یا فقهی برخوردار بوده است؟

دوم. این کتاب دارای چه ویژگی هایی بوده است؟

سوم. آیا تنها روایات شیعه از کتاب علی (ع) نام برده اند یا کتاب های اهل سنت نیز به آن اشاره کرده اند؟

چهارم. آیا مصحف امام و کتاب علی (ع) یکی بوده اند، یا مصحفْ بخشی از کتاب علی

(ع) بوده یا به عکس، و یا هر دو وجودی مستقل داشته اند.

ویژگی های کتاب امام علی

از مجموع روایات می توان به چند نکته راه یافت:

اول. کتاب علی (ع) تألیف بوده است و حضرت به دست خویش آن را به نگارش در آورده است. میان مقرر و کاتب تفاوت است. کاتب وظیفه دارد آن چه را کسی دیگر می گوید، کلمه به کلمه بنویسد و نظم و ترتیب و فصل بندیِ املا کننده را رعایت کند. مقرر، مطالب کسی دیگر را تقریر می کند و به نگارش درمی آورد، اما تنظیم، ترتیب و بسیاری از ویژگی های کتاب از آنِ نویسنده است؛ مطالب از گوینده است، اما ترکیب و تألیف و حتی برخی توضیحات، از نویسنده و مقرر است.

این که در روایات آمده است کتاب از آنِ علی و به خط علی است و خط به دست علی و با انگشتان علی است، تأکیدی است بر این که کار منسوب به حضرت و متعلق به وی است؛ به ویژه این تعبیر که امام باقر (ع) می فرماید: اِنّ علیّاً کَتَب العِلْمَ کلّه. [۷۰] یا امام صادق (ع) می فرماید: اَما إنّكَ اِن رأیتَ کتابَه لَعَلِمتَ أنّه مِن کُتُبِ الأوّلین؛ [۷۱] «بی گمان، اگر کتاب علی را باز بینی، درمی یابی که این کتاب از کتاب های نخستین است.»

دوم. این کتاب آموخته های علی (ع) از پیامبر است، بلکه تقریر مطالب پیامبر است. در بیش تر روایات با صراحت تأکید شده است که مطالب کتاب به املای رسول اللّٰه (ص) است. [۷۲].

سوم. بیش تر آن چه از این کتاب نقل شده است، نشان می دهد که موضوع کتاب، شریعت و احکام و مسائل دین بوده است؛ چنان که در روایات، کتاب علی (ع) این گونه وصف شده است: فیها کل حلال و

حرام؛ [۷۳] فیها جمیع الحلال والحرام، حتی ارش الخدش فیه؛ [۷۴] لیس من قضیه إلا ـ و هی فیها حتی ارش الخدش. [۷۵] چنین تعبیرهایی نشان می دهند که محتوای کتاب مربوط به احکام بوده است.

با این حال، در برخی تعبیرها، عنوان، عام و کلی است. این تعابیر در ظاهر نشان می دهند که محتوای کتاب فراتر از احکام ظاهری شریعت بوده است. در این روایات آمده است که چیزی نیست که مردم بدان نیازمند باشند مگر این که در این کتاب بیان شده است، [۷۶] اما وقتی مثال به میان می آید، از ارش الخدش سخن گفته می شود؛ یعنی دیه خدشه ای که به کسی وارد کرده اند. در این صورت، معلوم می شود که بحث کتاب از مقوله فقه و احکام است؛ به ویژه در روایت محمد بن مسلم که می گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم این کتاب علی (ع) چگونه است؟

اَجوامِعُ هو من العلم، اَمْ فیه تفسیر کلّ شیء من هذه الامور الّتی تتکلّم فیه النّاس مثل الطّلاق والفرائض؟ فقال: انّ علیّاً کتب العلم کلّه، القضاء والفرائض؛ [۷۷] «آیا این کتاب جامع علوم است، یا معنای هر چیز در آن آمده است که مردم درباره اش سخن می گویند؛ مانند احکام طلاق و ارث؟ حضرت فرمود: بی گمان علی (ع) علم را به تمام و کمال نوشت؛ هم قضا و هم فرایض را.»

در این عبارت ها، مثال ها ناظر به احکام فقهی اند و از آن ها نمی توان استفاده کرد که کتاب به علمی دیگر، مانند تاریخ و عقاید مربوط است. البته در روایت محمد بن مسلم آمده است: عندنا صحیفه من کتب علی؛ «در پیش ما صحیفه ای از کتاب های علی است.» یعنی علی (ع) کتاب هایی داشته و

یکی از این کتاب ها، صحیفه طلاق و فرایض بوده است. از این رو، محتمل است صحیفه های دیگر حضرت، مربوط به موضوعات دیگر بوده باشد.

چهارم. از این روایات استفاده می شود که مباحث کتاب – در احکام – جامع و مبسوط بوده است. تعبیرهای گوناگونی وجود دارد که در این کتاب هر چیزی که مردم بدان نیازمند باشند، آمده است، یا از امام صادق (ع) رسیده است که فرموده: «نزد ما چیزی است که دیگر به احدی نیازمند نیستیم.» [۷۸] یا آمده است: «خدا حلال و حرامی نیافریده مگر این که در این کتاب از آن سخن رفته است.» [۷۹] حتی گاهی تعبیر «جامعه» برای کتاب به کار رفته [۸۰] که گستردگی مطالب و حجم مباحث نوشته را می رساند. همچنین است عبارت هایی دیگر که در این روایات آمده اند؛ مثل این که طول نوشته ها هفتاد ذراع است، [۸۱] و یا حتی ارش خدش را در خویش دارد.

پنجم. این کتاب، منبع علوم و احکام امامان پاک نهاد (ع) بوده و آن بزرگان برای پاسخ به مردم به این کتاب می نگریسته اند. گاه امامان پای می فشرده اند که بگویند این مطلب را از آن کتاب نقل می کنیم؛ مثلاً در جایی آمده است: «در کتاب علی (ع) نوشته شده است: خدا لعنت می کند کسی را که برای غیر خدا ذبح کند؛ خدا لعنت می کند کسی را که نشان راه ها را می دزدد و خدا لعنت می کند کسی را که پدرش او را لعنت کند.» [۸۲] از سوی دیگر، کتاب علی (ع)، نشانه امامت امامان نیز بوده است. گاه آن بزرگان بدین وسیله از دروغین بودن ادعای مدعیان امامت نیز خبر می داده یا اقوال آنان را رد می کرده اند؛ [۸۳]

به ویژه آن گاه که پس از شهادت امامی معصوم (ع)، باز شناختن امام بعدی دشوار می نموده است.

ششم. این کتاب نوشته ای عمومی نبوده که دیگران بتوانند آن را استنساخ کنند یا در اختیار گیرند. حتی از برخی روایات استفاده می شود که مطالب کتاب از مختصات علوم اهل بیت (ع) بوده و از امامی به امامی دیگر دست به دست می شده و تنها گاهی امامان برای پدید آوردن اعتماد در مخاطب یا تأکید بر مطلب به کتاب اشاره می کرده اند و یا ویژگی هایی از آن را شرح می داده اند. [۸۴].

نسبت میان صحیفه و کتاب امام علی

پیش از آن که بخواهیم درباره نسبت مصحف امام با کتاب حضرت سخن گوییم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میان صحیفه و کتاب علی (ع) تفاوتی هست. در برخی روایات شیعه گاه تعبیر «صحیفه» آمده و در برخی روایات، «کتاب علی»؛ اما در روایات اهل سنت تنها از «صحیفه» سخن رفته است. در این باره چند احتمال مطرح است:

اول. مراد از آن چه در روایات با عنوان صحیفه و جامعه آمده، همان کتاب علی (ع) است و مراد از آن چه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه آمده، نیز کتاب علی (ع) است.

دوم. کتاب علی (ع) و جامعه یک مجموعه اند و صحیفه چیزی دیگر است؛ زیرا درباره کتاب علی (ع) آمده است که طولش هفتاد ذراع است و وقتی پیچیده شود، به اندازه ران مردی قوی هیکل است؛ [۸۵] در حالی که در برخی روایات آمده است که صحیفه به شمشیر پیامبر پیوسته است [۸۶] و آن چه به شمشیر بسته و پیوسته است، باید کوچک و کم حجم باشد.

سوم. نسبت میان صحیفه و جامعه و کتاب علی (ع)، نسبت عموم وخصوص است؛

یعنی آن چه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه علی (ع) آمده، در حقیقت، بخشی از کتاب علی (ع) را تشکیل می دهد و حضرت در طول حیات خود روایات پیامبر را گرد آورده و بخش بخش و صحیفه صحیفه کرده است.

صاحبان نظریه نخست می گویند: بر اساس آن چه از روایات اهل سنت رسیده است، صحیفه علی (ع) موضوعاتی گوناگون را در برداشته است و از آن جا که در وصفش آمده که به املای پیامبر و موضوعش احکام بوده است، با مشخصات کتاب علی (ع) هماهنگ است. بنابراین، گر چه راویان، به دلیلی که گذشت، همه این روایات را ضبط نکرده اند، شواهد و قرائن نشان می دهند که این دو، یکی اند. [۸۷] اما صاحبان نظریه دوم می گویند: طول کتاب علی (ع) هفتاد ذراع و حجمش بسیار بوده و نمی توان آن ها را یکی پنداشت.

در جمع بندی و نتیجه گیری از احتمالات، می توان گفت اگر مراد از صحیفه همان مُلْحَقه شمشیر پیامبر است، صحیفه مذکور، بخشی از صحیفه و کتاب علی (ع) است؛ زیرا در روایت محمد بن عبدالملک آمده است: عندنا واللّٰه صحیفه طولها سبعون ذراعاً. [۸۸] چنان که در روایات عبداللّٰه بن یعفور آمده است: صحیفه طولها سبعون ذراعاً. [۸۹] در حالی که این تعبیر برای جامعه نیز آمده است: عندنا الجامعه و هی سبعون ذراعاً. [۹۰] در جایی دیگر آمده است: عندنا لَصَحیفَةٌ یقال لها جامعه. [۹۱] یا در روایت فضیل بن یسار آمده است: عندنا کتاب عَلِیٍّ سبعون ذراعاً. [۹۲] و در روایت مروان آمده است: عندنا کتاب علی سبعون ذراعاً. [۹۳] بنابراین، کتاب علی (ع)، جامعه و صحیفه، یکی شمرده می شوند و از ویژگی هایی یگانه برخوردارند، و این که در روایات

گاه واژه «کتاب» به کار رفته و گاه «جامعه» و گاه «صحیفه»، مراد کتابی یگانه بوده است؛ زیرا ویژگی های هر سه با یک کتاب هماهنگ است.

کتابی که بنا بر روایات، پیوست یا همراه شمشیر پیامبر بوده است، ممکن است رساله ای کوچک بوده باشد، اما از آن جا که ویژگی هایش با ویژگی های صحیفه حضرت همسان است، باید بخشی از کتاب بسیار مفصلی باشد که ویژه احکام و فرایض است. گواه این حقیقت، برخی روایات است: اَقْرَأنی ابوجعفر شیئاً مِن کتابِ عَلِیٍّ. [۹۴] یا در روایت عبدالملک بن اعین آمده است: ارانی ابوجعفر بَعْضَ کُتُبِ علیّ. [۹۵].

از سوی دیگر، آن چه در منابع اهل سنت نقل شده است که نزد علی (ع) جز این صحیفه در «قراب سیف» نبوده و از پیامبر به ارث نرسیده است، [۹۶] محل تردید است؛ زیرا این دسته از روایات در برابر روایاتی قرار دارند که در منابع دیگر (اعم از شیعه و سنی) در مقام علمی امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نقل گشته اند و نشان می دهند پیامبر ودایع خود را به ایشان واگذارده است. [۹۷] چنان که اشاره شد، فضای سنگین عهد بنی امیه و بنی عباس، زمینه چنین نظریه ای را تقویت می کند.

از برخی روایات به دست می آید که در عصر خود حضرت، این پرسش مطرح بوده که امام علی (ع) از پیامبر چه به ارث برده است.

عن ابی اراکه قال: کُنّا مع علیّ بمسکن. فَحدّثنا اَنّ علیّاً وَرِثَ مِن رسول اللّٰه السیف، و بعض یقول: أنّ البغله، و بعض یقول: ورث صحیفه فی حمائل السیف، اذ خرج علیّ (ع) و – نحن فی حدیثه – فقال ... و أیم اللّٰه اِنّ عندی لَصُحُفٌ کثیرهٌ قَطائعُ

رسولِ اللَّه و أَهـلِ بیته و اِنّ فیها لَصَحیفَةٌ یقال لها العُبیطه؛ [۹۸] «ابو اراکه می گویـد: همراه با علی در خانه ای بودیم. سـخن از علی بود که از پیامبر خدا چه به ارث برده است: شمشـیر یا قاطر؟ برخی گفتند: صـحیفه ای در جلد شمشـیر به ارث برده است. در این هنگام علی (ع) – در حالی که ما درباره او سـخن می گفتیم – به جمعمان درآمد و گفت: به خدا سوگند، در پیش من صحیفه هایی بسیار از پیامبر خدا است که یکی از آن ها درباره مرگ های ناگهانی [عُبیطه]است.»

بنابراین، حضرت صحیفه هایی چند در اختیار داشته است که مجموع آن ها جامعه و کتاب علی (ع) را تشکیل می داده است و این که ویژگی های یک یا چند صـحیفه در احادیث برشمرده شده است، بدین معنا نیست که هر یک، کتابی مستقل بوده اند. [۹۹].

نسبت میان کتاب و مصحف امام علی

از آن چه دربـاره کتـاب و مصـحف علی (ع) باز نموده شـد، می توان به تفاوت های آن ها دست یافت. بی گمان، کتاب علی (ع) در بردارنده احکام و مقررات فقهی بوده است و از آن جا که احکام را دامنه ای گسترده است، حجم آن کتاب بسیار بوده است؛ چنـان که بنـابر روایـات، طول صـحیفه هفتاد ذراع و عرضـش در حـدود دو ذراع و قطرش به انـدازه ران شتر بوده است. [۱۰۰] در این دسته از روایات مطلبی که حاکی از تفسیر قرآن باشد، به چشم نمی آید.

از سـوی دیگر، از ویژگی هـای گفته شـده دربـاره مصـحف امـام علی (ع) می توان دریـافت که محتوای کتـاب، قرآن و علوم وابسـته به قرآن بوده و تنها احکام صـرف نبوده است؛ مانند مبحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و اسـباب نزول و سـرانجام، تفسیر و تأویل. از

این رو، این که دو نوشته را یکی بپنداریم، به ظاهر درست نمی نماید. تنها آن چه زمینه وحدت موضوعی این دو کتاب را تداعی می کند، تشابه موضوعات فقهی و برخی ویژگی های دیگر است؛ مثلاً در روایت سُلیم آمده است که هر حکم حلال و حرام و کیفر و حکمی - حتی دیه خراش - که مسلمانان تا روز رستاخیز بدان نیازمندند، با املای پیامبر خدا (ص) و خطعلی (ع) نوشته شده است. [۱۰۱] این تعبیر درباره کتاب علی (ع) بارها به کار رفته است. به عنوان نمونه، در روایت عبدالرحمان بن عبداللّه از امام صادق (ع) نقل شده است: ما خَلَقَ اللّهُ مِن حَلالٍ ولا حَرامٍ إلّا فیها حَتّی أرش الخَدش. [۱۰۲].

بنابر آن چه گذشت، ویژگی های مشترک مصحف و کتاب عبارتند از:

- در برداشتن احکام حلال و حرام و جامعیت مصحف و کتاب در این قلمرو.

- بیان احکام برای همه زمان ها و شرایط گوناگون.

- منبع و مأخذ هر دو نوشته، املای پیامبر و خط علی (ع) است. [۱۰۳].

پس مانعی نیست که مصحف امام در همان حال که تفسیر است، احکام را نیز به گونه ای گسترده بیان کند. و اگر در روایات امامان، تعبیر «کتاب» و «صحیفه» به چشم می آید، از این باب است که در عهد صادقین (ع) اصطلاح «مصحف»، قرآن را به ذهن می آورده است. البته حضرت می توانسته است مجموعه ای مستقل به نگارش درآورده باشد.

نکته دیگر آن که کتاب علی (ع) گاه در اختیار دیگران قرار گرفته است و شماری از صحابه آن را بارها در دست امامان دیده اند، ولی مصحف علی (ع) را کسی ندیده است و جز از گذر توضیحاتی کلی، خبری از آن در دست نیست. مصحف

امام علی (ع) پس از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به امام سجاد (ع) و از آن حضرت به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) رسید، ولی از زمان امام سجاد (ع) به بعد، کم تر تعبیر «مصحف» به کار رفته است؛ در حالی که آن چه در روایات شیعی از زمان امام باقر (ع) به بعد به چشم می آید، تعبیر «کتاب علی» است و همین، احتمال یگانگی دو نوشته را تقویت می کند.

چگونگی نگارش مصحف امام علی

پس از این که آشکار شد مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن نیست، این پرسش مطرح است که نگارش مطالب تفسیری حضرت چگونه بوده است. آیا مانند تفسیرهای روزگار ما آیات و تفسیر آن ها، هر دو، در متن می آمده اند و مباحث درهم نگاشته می شده اند یا به گونه متن و حاشیه می آمده اند؟

شیوه کتاب های تفسیری همواره دو گونه است:

اول. متن آیه در بالا، و توضیح ها و تفسیرها در حاشیه آورده می شود. حجم این توضیح های حاشیه ای، بسته به اهداف، مخاطبان و شرایط علمی مفسر متفاوت است.

دوم. آیه، بخش بخش آورده می شود و پس از ذکر هر بخش، توضیح و تفسیر آن ها مذکور می آید و آن گاه نوبت بخش های بعدی فرامی رسد.

در متون کهن در این باره سخنی به میان نیامده است و از کتاب هایی که از آن روزگار بر جای مانده اند، با توجه به تحولات خط، نوشت افزار و دگرگونی نسخه ها، نمی توان نظریه ای قطعی در باب کیفیت نگارش فراچنگ آورد؛ به ویژه درباره مصحف امام که برخی می پنداشته اند تنها نسخه ای از قرآن بوده است و از این رو، این پرسش در ذهن آنان مطرح نبوده که نگارش مطالب بر چه شیوه بوده است.

از سوی دیگر، از برخی گزارش ها می توان دریافت که در

عصر خلفا، شماری از صحابه و تابعین، توضیح خود را در حاشیه یا متن قرآن می نوشتند؛ تا آن جا که خلیفه دوم در فرمانی مشهور، نگارش تفسیر را در متن آیات قرآن ممنوع ساخت و قرظه بن کعب انصاری را مأمور کرد قرآن را از تفسیر جدا کند. [۱۰۴] اشتباه برخی خاورشناسان [۱۰۵] و همچنین صاحبان مصاحف درباره قرائت ترادفی و سوء استفاده از آن برای پذیرش تحریف قرآن از این جا برخاسته است که پنداشته اند آن چه در مصاحف کسانی مانند ابن مسعود، ابی بن کعب، عایشه و حفصه و دیگران به جای کلمه ای، کلمه دیگر نقل شده یا در کنار آن قید توضیحی آمده است، اختلاف قرائت و ترادف کلمات قرآن بوده؛ [۱۰۶] در صورتی که روشن است بسیاری از این موارد نه از باب اختلاف قرائت یا بر نهادن کلمه ای بر جای کلمه ای دیگر است، بلکه توضیح و تفسیر صاحبان مصاحف است و هیچ ارتباطی با تحریف ندارد.

تنها کسی که در این میان به این موضوع پرداخته و کیفیت نگارش مصحف امام را به پژوهش نهاده است، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ ق) نویسنده کتاب الملل والنحل است. او در مقدمه تفسیر خویش به این مصحف اشاره می کند و می گوید: «برخی گفته اند مصحف امام علی، متن و حاشیه داشته است و قرآن در متن بوده و تفسیرها در عرض و حواشی.» [۱۰۷] شهرستانی با تعبیر «قیل» از نظریه یادشده سخن می گوید و منبع آن را نام نمی برد، اما این گفته با حساسیت حضرت برای نیامیختن متن و تفسیر و تجربه ای که بعدها برای خلیفه دوم پیش آمد، سازگار می نماید؛ به ویژه آن که این روش رواج یافت

و تا سال ها برجای ماند.

شاید این که برخی پنداشته اند مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن بوده است، از این جا ناشی شده است که اصل و متن عبارت از قرآن بوده است؛ چنان که در روزگار ما اگر قرآنی با حاشیه چاپ شود، باز آن را «قرآن» می شماریم. به همین دلیل، شهرستانی پس از گفتاری مفصل درباره رویدادهای پس از پیامبر و این که چگونه مصحف علی (ع) را نپذیرفتند، گلایه می کند که چرا آن را به شایسته ترین کسی که می توانست قرآن را گرد آورد، نسپردند و به نوشته اش بها ندادند. او در پایان می نویسد: «با این همه، نقل نشده است که حضرت علی (ع) گردآوری دیگران را رد کرده و نپذیرفته باشد.» [۱۰۸].

همچنین، در نسخه کرمانیه شواهدالتنزیل، نوشته حسکانی (م قرن پنجم ق)، از ابن سیرین (م ۱۱۰ ق) نکته ای نقل شده است که گوشه ای دیگر از چگونگی نگارش مصحف امام را روشن می سازد: «من خبردار شدم که حضرت، در پی قرآن، ناسخ و منسوخ را می نوشته است.» [۱۰۹] تعبیر «فی اثره»، شاید گفتار شهرستانی را تقویت کند که مصحف امام دارای حواشی و تعلیقاتی بوده و این گونه نبوده است که در متن قرآن، افزوده های تفسیری و تاریخی جای گیرند.

مدت گردآوری مصحف امام علی

از پرسش هایی که درباره مصحف امام مطرح است مدت گردآوری یا تألیف آن است. این پرسش از آن جا مطرح شده است که گزارش ها دگرگونند، به گونه ای که حتی اصل موضوع را نیز خدشه دار کرده است؛ مثلاً- در برخی گزارش ها مدت گردآوری سه روز و در برخی شش یا هفت روز و در برخی شش ماه آمده است.

اکنون پیش از بررسی لازم است به پرسشی دیگر بپردازیم. پرسش این

است که اگر مصحف به املای پیامبر و کتابت حضرت علی (ع) است، باید نگارشش در زمان خود پیامبر انجام گرفته باشد؛ در صورتی که بحث تألیف و جمع، درباره روزگار پس از پیامبر است؛ به ویژه آن که از برخی روایات دریافته می شود که کتاب در همان روزگار نزول قرآن سامان یافته و به تعلیم پیامبر بوده است؛ مثلاً در روایت کمال الدین، نوشته شیخ صدوق، آمده است: ما نَزَلَتْ عَلی رَسُولِ اللَّهِ آیهٌ مِنَ القُرآن اِلّا اَقْرَأَنیها و أملاها عَلَیَّ فَکَتَبْتُها بخطّی و عَلَّمَنی تأویلَها و تفسیرَها. [۱۱۰].

از جمله «فکتبتها بخطی»، که با فاء عاطفه آمده است، استفاده می شود که هر گاه آیه ای نازل می شده، پیامبر آن را بر حضرت علی (ع) می خوانده و آن حضرت بی درنگ آیه را برمی نوشته و تأویل و تفسیرش را از پیامبر می آموخته است. ولی در ذیل روایت، عبارتی است که معنایی دیگر به ذهن می رساند: فما نَسیتُ آیهً مِن کتابِ اللَّهِ و لا عِلْماً أَمْلاَهُ عَلَیَّ. زیرا وقتی امام علی (ع) می فرماید: «هیچ آیه ای از کتاب و علمی را که رسول خدا بر من املا کرد، فراموش نکردم»، بدین معنا است که نوشتن در همان زمان املا انجام نگرفته؛ و اگر جز این بود، سخن از فراموش نکردن و مانند آن به میان نمی آمد.

همکاران امام علی در کار گردآوری

آیا علی (ع) در کار گردآوری تنها بوده است، یا دستیارانی داشته و اگر دستیارانی داشته به چه کاری از مصحف مشغول بوده اند؟

از ظاهر بیش تر روایات چنین برمی آید که کار گردآوری مصحف، ویژه علی (ع) بوده است. او به دلیل ویژگی علمی و ارتباطی که با سرچشمه وحی داشته و نیز به این دلیل که مصحف پیامبر را نزد

خویش داشته است، برای گردآوری و تألیف قرآن بی همتا بوده است. بنابراین، نیاز به همکاری کسی برای نوشتن محتوا و یا گردآوری مطالب مطرح نبوده است؛ ولی در برخی گزارش ها آمده است که برخی کسان با حضرت همکاری داشته اند. شاید این همکاری، کاری همچون آماده کردن و مرتب ساختن دست نوشته ها بوده است و شاید ادعای برخی کسان به همکاری، برای فرار از بیعت با خلیفه و پناه آوردن به خانه علی (ع) بوده است. به یکی از این گزارش ها، که ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری (م حدود ۳۰۰ ق) نقل کرده است، بسنده می کنیم. سعد بن ابی وقاص با مقداد بن اسود در خانه فاطمه گردآمده بودند که مأموران عمر به خانه یورش بردند. عمر فریاد زد: «بیرون آیید و گرنه خانه را آتش می زنم!» در این هنگام، زبیر با شمشیر آخته بیرون آمد و فاطمه به گونه ای دیگر، و گفتند: «ما در خانه به گناه مشغول نیستیم؛ گردآمده ایم و قرآن را در مصحفی یگانه بازمی نویسیم.» [۱۱۱].

به هر سان، بعید نیست که حضرت برای سامان دادن و هماهنگ کردن نوشته ها – نه نوشتن محتوا – از همکاری کسانی سود برده باشد؛ به ویژه آن که برخی روایات مدت گردآوری را سه یا شش روز دانسته اند.

سرنوشت مصحف امام علی

بی گمان، رویدادهای عهد بنی امیه و بنی عباس و فشارهایی که بر خاندان علوی وارد می ساختند، از ناگوارترین رویدادهای تاریخ اسلام است. این، به تنهایی می تواند دلیلی برای پنهان ماندن مصحف امام باشد. اما امام علی (ع)، خود نیز مدتی حکومت را در دست داشت و می توانست مصحف خویش را مطرح سازد تا مردم از آن، نسخه بردارند و استفاده کنند. با این حال، گزارشی از

این که حضرت در دوران خلافت، مصحف را به مردم نشان داده است، در دست نیست، بلکه اخباری دیگر در دسترس است که حضرت دستور داده است به همان مصحف عثمانی بسنده کنند. [۱۱۲] حتی بنابر روایت سُلیم، امام علی (ع) به طلحه می گوید: «اگر به قرآنی که گرد آورده اند، تن در دهید، از آتش می رهید و به بهشت درمی آیید.» [۱۱۳].

آیا پس از شهادت امام علی (ع) و سپری شدن دوران بنی امیه و بهبود وضع علویان، امامان نمی توانستند مصحف علی (ع) را آشکار کنند و در دسترس مردم قرار دهند و دست کم، بخشی از آن را برای استنساخ در اختیار دیگران قرار دهند؟

چنان که گذشت، مصحف امام تنها کلام الهی نبوده تا فقدانش به هدف راستین نزول قرآن آسیب رساند و کوشش های پیامبر گرامی (ص) را بر باد دهد و نابودی دین را در پی آوَرَد. آن چه حضرت نوشته بود، افزون بر قرآن، عبارت از تأویل ها، تفسیرها، بیان شأن نزول ها، ناسخ ها و منسوخ ها بود. حضرت می دانست اگر در دوران خلافت مصحف را در اختیار دیگران قرار دهد، چه بسا در آن تصرف کنند و به خواست خود تغییرش دهند؛ چنان که بسیاری از روایات پیامبر را چنین کردند. [۱۱۴] وانگهی، بیم آن می رفت که پس از شهادت امام، در اختیار داشتن مصحف برای اصحاب مایه گرفتاری شود. حضرت با دوراندیشی برنامه پس از رحلت خویش را تنظیم کرده و فرمان داده بود او را مخفیانه دفن کنند و جای قبرش را آشکار نسازند [۱۱۵] تا دشمنان نتوانند به کاری ناشایست دست زنند. بی گمان، نوشته ها و آثار معنوی و علمی امام با خطری بیش تر روبه رو بودند و پنهان ساختن آن ها،

راهی کارساز برای رویارویی با خطر به شمار می رفت.

نکته دیگر آن که دشمنان علی (ع)، تنها از گذر بر ساختن فضیلت و منقبت برای دشمنان، با آن حضرت به ستیز برنمی خاستند، بلکه گاه سخنانش را تحریف می کردند و بدین وسیله هدف خویش را پی می جستند. ابراهیم بن ابی محمود می گوید: به حضرت امام رضا (ع) گفتم: ما اخباری در فضایل امیرمؤمنان و شما از دشمنان می شنویم که از شما نمی شنویم. آیا این اخبار را بپذیریم؟ فرمود: «ای پسر ابی محمود، دشمنان، اخباری را در فضایل ما برساخته اند که بر سه دسته اند: اخباری که گزاف و زیاده گویی است؛ اخباری که از سر کوتاهی در حق ما است و اخباری که مشتمل بر تصریح به طعن و مذمت دشمنان ما است.» [۱۱۶].

از این روایت به خوبی در می یابیم که دشمنان، بسیار پیچیده عمل می کرده اند؛ گاه اخباری را به ظاهر برای بیان فضیلت های امامان برمی ساخته اند، ولی در حقیقت می خواسته اند جایگاهشان را در پیش مردم فرو آورند و باور عمومی را تغییر دهند. درباره ابوالخطاب محمد بن ابی زینب نقل است که کتاب های اصحاب امام صادق (ع) را می گرفت تا رونویسی کند. آن گاه اخباری برمی ساخت و به کتاب راه می داد و نسخه هایی چند تکثیر می کرد و میان مردم منتشر می ساخت. [۱۱۷].

برخی روایات حاکی از آنند که امام علی (ع) گفته است که مردمان، تنها با حضور امام معصوم می توانند از کتاب او بهره برند: «چونان که قرآن از عترت جدایی ناپذیر است، از مصحف من نیز تنها با حضور عترت می توانند سود برند.» [۱۱۸] از این جا می توان به راز اصرار اهل بیت (ع) بر حفظ اسرار و آثار و دستور به تقیه

و مواظبت بر نقـل روایات پی برد. چنان که امامان هر آن احتمال می داده انـد که مأموران حکومت به خانه آنان یورش برده و نوشته های خود و پدرانشان را تاراج کنند، ناچار می گشتند از خانه دیگران برای پنهان ساختن نوشته ها سود جسته یا آن ها را در زمین دفن کنند.

ابی الصباح کنانی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: از پیامبر در حق امام علی (ع) رسیده است: انتَ اخی و صاحبی و صفیّی و وصیّی و خالصی مِن أَهل بیتی و خلیفتی فی امّتی. فرمود: «آری، چنین روایتی هست و هـذا مکتوبٌ عندی فی کتابِ عَلِیٍّ. اما این کتاب را از ترس مأموران دفن کرده ام.» [۱۱۹] همچنین معلی بن خنیس از امام صادق (ع) نقل می کند که کتاب های امام علی (ع) در پیش خود آن حضـرت در مدینه بوده و هنگام هجرت به عراق آن ها را پیش ام سلمه به امانت گذاشته است. [۱۲۰].

مشابه این تعبیرات درباره ائمه دیگر، به ویژه حسنین (ع)، بسیار رسیده است؛ مثلاً ـ درباره این دو آمده که آنان برای حفظ میراث پیامبر این نوشته ها را در اختیار ام سلمه قرار دادند. [۱۲۱] این نگرانی میان اصحاب و یاران حضـرت نیز بوده است و آنان همواره بیم داشته اند که روزی دچار عقوبت دشمنان اهل بیت (ع) شوند. نمونه ای از آنان، رُشید هجری است که دست و پای و زبانش را به دلیل هواخواهی از علی (ع) می برند [۱۲۲] و نیز میثم تمار که به گونه ای بسیار فجیع به قتل می رسد. [۱۲۳] نیز نقل است که کمیل بن زیاد را حجاج می کشد [۱۲۴] و حجر بن عدی کندی (م ۵۱ ق) به دستور معاویه، در مرج عَذرا، با شماری از

شیعیان علی (ع) کشته می شود [۱۲۵] و افرادی دیگر شکنجه می شوند یا به قتل می رسند. نگاه به زندگی و رنج های چنین کسانی به ما نشان می دهد که شرایط روزگار پس از امام علی (ع) چقدر دشوار بوده و یاران و هواخواهان حضرت چقدر در فشار و رنج بوده اند و نمی توانسته اند از امام خویش به راحتی حدیث و روایت نقل کنند.

فشارها و حساسیت ها برای اصحاب دیگر امامان نیز ادامه یافت و آنان نیز همواره در هراس بودند. در تاریخ آمده است که در اثر چنین وضعیتی، آثار و روایات بسیاری از امامان و صحابه آنان از دست رفته است. درباره محمد بن ابی عمیر نقل است که چون او را گرفتند و به زندان انداختند، خواهرش از ترس این که مبادا روایات امامان و نام راویان به دست مأموران افتد، آن ها را در زمین دفن کرد و در نتیجه، نوشته های بسیاری از او نابود شدند و تنها چهل جلد از آن ها بر جای ماند. [۱۲۶].

چنان که گذشت، مصحف امام علی (ع) در آغاز روزگار خلافت، با بی اعتنایی روبه رو شد. خلافت امام علی (ع) نیز همواره در معرض طوفان فتنه ها و جنگ ها بود و از این رو، آثار مکتوب حضرت، زمینه عرضه و استفاده عمومی نیافتند. پس از شهادت امام، این وضعیت سخت و سخت تر شد و بنی امیه، علویان را در تنگنا و سختی انداختند. پنهان ماندن مصحف امام را باید معلول شرایط اجتماعی و سیاسی آن روزگار دانست که امام و فرزندانش نتوانستند مصحف را برای بهره برداری به دیگران بسپارند. البته حضرت دارای برخی نوشته های دیگر نیز بوده که نمی خواسته است آن ها را در دسترس دیگر مردم بگذارد. در این

نوشته ها، آن دسته از اسرار علوم آمده بود که ویژه امامان است. اما بی گمان، مصحف امام از چنین نوشته هایی نبوده است.

امام علی (ع) و دیگر امامان اهل بیت (ع) به جای این که متن مصحف را به اصحاب واگذارند، به نقل احادیث مصحف و کتاب علی (ع) همت گماردند و روایاتی را مناسب با پرسش های اصحاب یا در ضمن بیان احکام و تفسیر آیات و شأن نزول آن ها نقل می کردند. [۱۲۷] اما متن کامل این کتاب چه شده و در اختیار چه کسی است؟ از برخی روایات دریافته می شود که اصل کتاب در اختیار امامان بوده و دست به دست می گشته تا به حضرت ولی عصر (عج) رسیده و هم اکنون در دست او است. [۱۲۸].

در جستجوی مصحف امام علی

با این که به علت هایی که گذشت، مصحف امام علی (ع) از دسترس پنهان شد، یاران و علاقه مندان آن امام همام (ع) همواره در پی آن بودند. ابن سیرین در این باره می گوید: «در جست وجوی کتاب برآمدم و نامه ای به مدینه نوشتم و از دیگران برای یافتنش یاری خواستم، اما به آن دست نیافتم.» [۱۲۹] ابن ندیم می گوید: «مصحف نزد آل جعفر بود و آن را نزد ابویعلی حمزه حسنی دیدم که پاره ای از صفحه هایش از میان رفته بود و به خط امام بود.» [۱۳۰].

رامیار بر آن است که چون ابن ندیم الفهرست را حدود ۳۷۷ ق تألیف کرده است، آشکار می شود که نسخه ای از مصحف تا اواخر قرن چهارم نزد بنی حسن بوده است. [۱۳۱] اما معلوم نیست تشخیص ابن ندیم و آل حسن در این باره که خط از آنِ امیرمؤمنان (ع) و نوشته یادشده همان مصحف بوده، درست باشد. چه

بسا مصاحفی که منسوب به امام است، ولی در صحت این انتسابْ تردیدهای بسیار موجود است. [۱۳۲].

مصحف های منسوب به امام علی

در برخی کتابخانه ها و موزه ها مصحف هایی به چشم می آینـد که برخی می گوینـد نویسـنده آن ها امام علی (ع) است و یا در حاشـیه آن ها آمـده است که به خط علی بن ابی طالب است. چنین انتساب هایی ویژه امام نیست، بلکه درباره دیگران - از امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) گرفته تا خلفای راشـدین - نقل شده اند. مثلًا ابن بطوطه (م ۷۷۹ ق) در رحله خویش در گزارشی از سفر بصره می نویسد: «در مسجد علی، مصحفی دیدم که عثمان هنگام کشته شدن قرائت می کرده و آثار خون در صفحه ای از آن یـافت می شـد و بر آیه فَسَـیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ و هُوَ السَّمیعُ العَلیمُ، [۱۳۳] خون چکیده بود.» [۱۳۴] جالب این است که ابن جزری (م ۸۳۳ ق) و ابن فضل اللَّه عمری، همین داسـتان را در مورد مصـحف شامی نقل می کنند. ابن جزری مصحفی در مصـر دیـده است که عثمان مشـغول خواندن آیه بالا از آن بوده و در این حال کشـته شده و خونش به صـفحه ریخته است. [۱۳۵].

در خزائن الآثار مسجد حسینی قاهره نیز مصحفی هست معروف به مصحف عثمانی که می گویند از مصاحف امام (گردآوری عهـد عثمان) است. اما زرقانی در صـحت این ادعا تردیـد می کنـد و آن را از نظر فنی درست نمی دانـد و می گوید: «تزئینات هنری و علامـات و تقسیم بنـدی سوره هـا و آیه ها (که بعـدها پس از عهـد حجاج، رفته رفته، پای گرفته انـد) با ویژگی های مصحف عثمانی سازگار نیستند؛ زیرا مصاحف عثمانی دارای این علامت ها نبوده اند.» [۱۳۶].

همچنین، زرقانی از مصحفی از امام علی (ع) در این خزانه

یاد می کند که بر آن نوشته شده است: «کتبه بخطه»؛ آن گاه توضیح می دهد: «خط این مصحف از نوع خط کوفی قدیم است؛ با این تفاوت که نسخه از نظر حجم، از نسخه مصحف عثمانی کوچک تر است و جاهای خالی اش کم تر و رسمش موافق با رسم الخط غیر مدنی و غیر شامی. از این رو، محتمل است به خط امام علی (ع) باشد یا در کوفه دستور به کتابتش داده باشد.» [۱۳۷].

از این نقل ها درباره مصاحف، بسیار است. [۱۳۸] برای این که از حجم مصحف های منسوب به امام علی (ع) آگاه شویم، نمونه ای از گزارش ها را از نظر می گذرانیم و سپس آن ها را به نقد و ارزیابی می نهیم.

۱. از آن چه ابن ندیم گفته است، می توان دریافت که او دو گونه مصحف دیده است: مصحفی که حضرت آن را گردآورده و در نزد آل جعفر است (و البته آن را ندیده)؛ و مصحفی که شماری از صفحه هایش به مرور زمان از میان رفته و نزد ابویعلی حمزه حسنی بوده است. حتی ابن ندیم خبر می دهد که این نسخه به خط علی بن ابی طالب بوده است. [۱۳۹].

۲. مقریزی خبر می دهد که در سال ۵۱۶ ق، مأمون بطائحی، وزیر فاطمی، مصحفی را در جامعه مصری زراندود کرده است که گفته اند به خط علی (ع) بوده است. [۱۴۰].

۳. جمال الدین داوودی (م ۸۲۸ ق)، از مصحف هایی چند خبر می دهد که به خطعلی (ع) بوده است. [۱۴۱].

۴. در موزه آستان قدس رضوی، مصحفی منسوب به امام علی (ع) است (قرآن شماره۶)، که از آغاز سوره هود تا آخر سوره کهف و به خط کوفی است و بر پوست آهو نوشته شده است. در پایانش نوشته

شده است: «کتبه علی بن ابی طالب فی سنه اربعین.» این قرآن را شاه عباس صفوی وقف کرده و مهم تر آن که شیخ بهایی در جمادی الاول ۱۰۰۸ تأیید کرده است که خط، از سیّد الاوصیاء، حجّهاللّٰه علی اهل الارض والسماء است. [۱۴۲].

شبهه ها و اشکال ها

درباره مصحف امام شبهه ها و اشکال هایی مطرح است. برخی از شبهه های روایِیِ مربوط به بحث را در مبحث اثبات وجود مصحف امام و ویژگی های آن باز گفتیم و بدان ها پاسخ دادیم، اما برخی شبهه ها از گونه تاریخی و کلامی اند که اینک به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم.

۱. وقتی مصحف در روزگار ما نایاب است و در دسترس نیست، چه سودی دارد که درباره اش سخن گوییم؟ هدف پژوهش گران مسائل تاریخی، کشف مجهولات تاریخ و افزودن بر آگاهی های تاریخی است و پژوهش و تفحص درباره مصحف امام، بر آگاهی های تاریخی و فرهنگی ما می افزاید و به روشن شدن دسته ای از مسائل تاریخی - مانند سیر کتابت در جهان اسلام و آغاز تدوین تفسیر - کمک می کند؛ به ویژه اگر درباره کتابی تحقیق کنیم که مربوط به امام علی (ع) است و درباره اش نظریه هایی گوناگون باز گفته باشند و حقیقت در پرده ای از ابهام و تاریکی جای گرفته باشد.

ارزشمندترین سود پژوهش درباره مصحف امام، روشن شدن زوایای تاریخ جمع قرآن است؛ این که گردآوری قرآن در روزگار پیامبر بوده یا پس از آن، نخستین گردآورنده که بوده و چه انگیزه ای داشته است و حضرت علی (ع) در این باره چه کرده است و در برابر، خلفا با چه انگیزه ای به جمع قرآن پرداخته اند. دیگر آن که مصحف امام علی (ع) منشأ پرسش هایی درباره مصحف عثمانی شده است و چنان که

توضیح خواهیم داد، برخی کسان بر شیعه تاخته اند و گفته اند: شیعیان معتقدند قرآن تحریف شده است؛ زیرا به مصحفی جز مصحف کنونی ایمان دارند. روشن شدن موضوع مصحف امام علی (ع) به رفع این شبهه ها کمک می کند و موضع اهل بیت (ع) را درباره قرآن آشکار می سازد.

۲. گزارش هایی درباره مصحف در دست است که با نقل متواتر قرآن ناسازگارند؛ به ویژه اخباری که گونه ای اختلاف در مضمون قرائت ها را مطرح می سازند. با توضیحاتی که درباره مصحف امام به دست دادیم، منافاتی میان مصحف امام و تواتر قرآن برجای نمی ماند. درست است که اخبار مصحف امام از نظر سندی دارای جایگاه استواری همچون نقل قرآن نیستند، اما چون منابع گوناگون و تعبیرهایی مختلف از آن گزارش داده اند، گونه ای اطمینان به صحت و واقعیت گزارش ها حاصل می گردد.

آن چه در باب اختلاف قرائت ها نقل شده است - بر فرض صحتِ منقولات - با تواتر قرآن ناسازگار نیست؛ زیرا اصلِ قرآن قطعی است، اما قرائت های قرآن متواتر نیستند [۱۴۳] و از این رو، اگر در روایتی، قرائتی بر خلاف قرائت رایج مطرح گردد، تنها قرائتی خواهد بود در کنار دیگر قرائت ها. آن گاه که در باب کلمات قرآن از هفت تا چهارده قرائت نقل شده است و هیچ یک از معصوم به تواتر نرسیده است، چگونه می توان نقل خبری درباره یکی از قرائت ها را مخالف قرآن دانست؟ از سوی دیگر، آن چه از مجموع منقولات تردیدناپذیر شمرده شده است، اصل وجود مصحف امام علی (ع) است؛ اما کم و کیف آن باید بر معیار قبول خبر ارزیابی شود. بدین رو، به صرف نقل خبری درباره قرائتی، نمی توان از قرائت مشهور دست کشید.

۳. برخی اخبار مصحف حکایت از

تحریف قرآن دارند و چون شیعه و سنی بر مصونیت قرآن از تحریف یگانه اند، باید در وجود مصحف تردید کرد. به نظر می رسد مهم ترین شبهه ای که درباره مصحف امام مطرح است، همین باشد. این شبهه دو سویه دارد:

۱. شماری از محدثانِ قائل به تحریف، با پذیرفتن برخی روایات ناظر به مصحف امام، قائل به تحریف شده اند. میرزای نوری در کتاب فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب، دلیل چهارم بر تحریف را وجود قرآن امیرمؤمنان دانسته و گفته است: «این قرآن، هم از نظر ترتیب با مصحف کنونی تفاوت دارد و هم در آن مطالبی است که از احادیث قدسیه محسوب نمی شود.» [۱۴۴] در دلیل یازدهم نیز روایاتی را می آورد که بنابر مفاد آن ها، مصحف امام تفاوت کمی با مصحف موجود دارد؛ از آن جمله می گوید: «در کتاب سُلیم بن قیس آمده که در مصحف علی (ع) هجده هزار آیه است.» [۱۴۵] یا «در خبر سالم بن ابی سالمه آمده است که هنگامی که قائم ما قیام کند، مصحفی را که علی (ع) نوشته درخواهد آورد که قرائتش با قرائت این مصحف تفاوت دارد.» [۱۴۶].

۲. این شبهه از سوی کسانی است که به داعیان و راویانِ مدعی چنین مصحفی حمله کرده و این فکر را از سوی سبئیه دانسته و گفته اند: «ریشه پیدایش اندیشه مصحف امام علی (ع)، توسط سبئیه (گروه عبداللّٰه بن سبأ)؛ یعنی کسانی که به الوهیت علی (ع) قائل بوده اند، مطرح شده است.» [۱۴۷] جالب این است که مسئله وجود مصحف را با بحث نخستین گردآورنده قرآن پیوند زده و گفته اند: «نخستین کسی که این موضوع را در کتابش مطرح کرده، سُلیم بن

قیس است.» [۱۴۸].

اکنون در چند بند به شبهه پاسخ می دهیم و نادرستی اش را آشکار می کنیم:

خبری که محمد صالح مازندرانی از کتاب سلیم بن قیس نقل کرده است، به هیچ وجه در نسخه های تصحیح شده این کتاب موجود نیست. [۱۴۹] حتی در نسخه بدل ها نیز چنین عبارتی دیده نمی شود. معلوم نیست که مازندرانی این خبر را از کجا نقل کرده است که در مصحف امام علی (ع) هجده هزار آیه است. از این گذشته، مشهور است که کتاب سُلیم را نسخه هایی گوناگون است. آقا بزرگ تهرانی از نسخه های گوناگون و متفاوتی از این کتاب یاد می کند. [۱۵۰] بدین رو، با این اختلاف نسخه ها و دست بردن های بسیار در نسخه و شبهه هایی که درباره این کتاب مطرح است، استناد به چنین روایتی هرگز پذیرفتنی نیست. [۱۵۱] البته در اصول کافی، روایتی دیگر از هشام بن سالم (در برخی نسخه ها از هارون بن مسلم) آمده است که به روایت پیش گفته می نماید؛ با این تفاوت که می گوید: «قرآنی که جبرائیل بر پیامبر نازل کرده است، هفده هزار آیه داشته است.» [۱۵۲] ممکن است روایت کلینی با روایت سُلیم خلط شده باشد. اما این روایت، که به ظاهر از نظر سند، صحیح است و همه رجالش مورد وثوق است، از چند جهت مورد مناقشه و ناپذیرفتنی است:

اول. کلینی از طبقه نهم است و علی بن حکم، راوی کلینی، از طبقه ششم. کلینی نمی تواند بی واسطه از او روایت نقل کند. پس باید در این میان کسانی باشند که در طریق افتاده اند و چون معلوم نیست طریق کلینی به علی بن حکم کیانند، سند حدیث مورد خدشه جدی است. [۱۵۳].

دوم. علی بن حکم نابینا

بوده و از کسانی بسیار حدیث شنیده و به حافظه سپرده و از دیگران خواسته در دفترش بنویسند. مطمئن نیستیم که هر آن چه او شنیده است، به کتابش راه یافته باشد؛ زیرا در عهد امام صادق (ع) کسانی مانند سعید بن مغیره و ابوالخطاب نسخه نویسی می کردند و مطالبی را به نام امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برمی ساختند. بسیار محتمل است این خبرسازان دروغ نویس، نسخه علی بن حکم را به دلخواه تغییر داده باشند. از این موارد در تاریخ فراوان دیده شده است؛ مثلاً یونس بن عبدالرحمان آن چه را از کتاب های اصحاب امام صادق (ع) رونویسی کرده بود، با دل نگرانی به امام رضا (ع) عرضه می کند و آن حضرت حدیث های جعلی را مشخص می سازد و نشان می دهد. [۱۵۴].

آن چه مرحوم کلینی نقل کرده است، بسان روایتی است که عامه از ابی بن کعب نقل کرده اند که «سوره احزاب که اینک ۷۳ آیه است، در حقیقت، به اندازه سوره بقره [یعنی ۲۸۶ آیه] بوده است.» [۱۵۵] همچنین از عبداللّه بن عمر نقل کرده اند که «هیچ کس نباید بگوید: من همه قرآن را آموخته ام؛ زیرا کسی از قرآن خبر ندارد. بخشی بسیار از قرآن از میان رفته است.» [۱۵۶] روایاتی دیگر نیز از طرق عامه نقل شده اند که جایگاه رفیع این کتاب آسمانی را فرو می آورند و آن را کتابی تحریف شده معرفی می کنند که البته دارای ارزش تاریخی و علمی نیستند. [۱۵۷].

سوم. در برخی نسخه های الکافی، عدد «عشر» نیامده است؛ (یعنی سبعه عشر آلاف)، و بدین سان، شمار آیات قرآن هفت هزار (سبعه آلاف) می شود. تعبیر تخمینی آیات قرآن از ۶۲۳۶ آیه به هفت هزار غیر طبیعی

نیست؛ [۱۵۸] زیرا معمول است که به جای عدد شکسته از عدد سر راست سود برند.

چهارم. در روایت الکافی نیامده است که شمار آیات در مصحف امام این مقدار بوده است تا بتوان بر مصحف خرده گرفت. آن چه میرزای نوری، به نقل از مازندرانی، از کتاب سلیم نقل کرده است، ناظر به مصحف امام علی (ع) است که گفتیم چنین عبارتی در کتاب سلیم نیست و کتاب الکافی، ناظر به کتاب امام نیست.

پنجم. محقق کتاب الکافی در پانوشت درباره حدیث یادشده گفته است که شاید اختلاف در شمار آیات از ناحیه چگونگی تقسیم بندی آیات است نه این که قرآن کم و زیاد شده باشد. [۱۵۹].

ششم. هیچ یک از اصحاب، در عمل، به این روایات توجه نکرده اند و آن ها را به عنوان اخبار شاذ و نادر یاد کرده اند. [۱۶۰].

پاورقی

[۱] فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۳، ص ۱۲۰.

[۲] جوهری، صحاح اللغه، ج ۴، ص ۱۳۸.

[۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سُلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۶۳ و ۶۶۵ و ۶۵۶ و ۶۲۵ و ۵۸۱.

[۴] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰.

[۵] صدوق، التوحید، ص ۷۳.

[۶] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۸.

[۷] ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۲۰.

[۸] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۳۶.

[۹] ر.ک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۰] ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰.

[۱۱] کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۵۹.

[۱۲] ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۳.

[۱۳] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۴] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۳۵ و ۲۲ و ۲۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق (ترجمه الامام علی)، ص ۲۸.

[۱۵] شهید ثانی «مضطرب الحدیث»

را بـا «لین الحـدیث» یکی گرفته، می نویسـد: «ای یتساهل فی روایته عن غیر الثقه.» ر.ک: شـهید ثانی، الرعایه فی علم الـدرایه، ص ۲۰۹.

[۱۶] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۱۵.

[۱۷] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج ۴ (اوائل المقالات)، ص ۸۱.

[۱۸] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصـنفات الشـیخ المفید، ج ۱، ص ۷۹؛ عیاشـی، محمد بن مسعود، تفسیرالعیاشی، ج ۱، ص ۸۹، ح ۴۶. گویا مفاد حدیث این باشد که ترتیب آیات بر اساس نزول، مطلب را روشن می کرد؛ هر چند نام اشخاص برده نشده باشد.

[۱۹] شهرسـتانی، عبـدالکریم، مفاتیـح الاسـرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۰. البتـه به چنین مطلـبی در تفسـیرالقرآن العظیم دست نیافتم.

[۲۰] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷.

[۲۱] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۶.

[۲۲] جُزی، محمد بن احمد الکلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۷.

[۲۳] فیض کاشانی، محسن، تفسیرالصافی، ج ۱، ص ۴۷.

[۲۴] زنجانی، ابوعبداللّه، تاریخ القرآن، ص ۷۶.

[۲۵] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، ص ۲۲۲.

[۲۶] عسکری، سید مرتضی، القرآن و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۰۰.

[۲۷] عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، ص ۱۵۲ – ۱۷۲.

[۲۸] ابن خطیب، الفرقان، ص ۴۷.

[۲۹] آل غازی، ملا حویش، بیان المعانی، ج ۱، ص ۴.

[۳۰] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۲۲.

[۳۱] عاملی، سید جعفرمرتضی، حقائق هامه، ص ۱۵۲.

[۳۲] منابعِ شیعی این احادیث، عمدتاً کتاب سُلیم بن قیس هلالی، بصائرالدرجات، از محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م ۳۲۰ ق)، تفسیرالعیاشی، از محمد بن مسعود بن عیاش (م ۳۲۰ ق)، اثبات الوصیه، منسوب به علی بن حسین

مسعودی (م ۳۴۶ ق)، التوحید، صدوق (م ۳۸۱ ق) و مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ق) است. این کتاب ها هر یک به گونه ای ضعفِ سندی و مشکلات استنادی دارند. در این زمینه، دو دسته اشکال به طور مشخص مطرح است: یکی در صحت انتساب این کتاب ها به مؤلفان آن ها است؛ مثلاً در مورد تفسیر علی بن ابراهیم یقیناً می دانیم که این کتاب از آنِ علی بن ابراهیم نیست (ر.ک: ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۳۳۰). در مورد بصائرالدرجات نیز نمی دانیم کتابی که هم اکنون در اختیار ما است، همان کتاب محمد بن صفار باشد. چون طریق متقن - مانند کتب اربعه - برای اتصال سندی به مؤلف ندارد تا از طریق اجازه و تداول عام به مؤلف منتهی شود و او صحت آن را تأیید کند. از آن جا که در گذشته معمول بوده که صحافان و وراقان در کتابْ دست می بردند یا مستنسخان به لحاظ گرایش های فکری و مذهبی روایات را تغییر می دادند، چنین اطمینانی برای عدم تصرف و اتصال آن ها به مؤلف وجود ندارد. ر.ک: شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۳۱. در مورد برخی دیگر از این کتاب ها مشکل ارسال سندی وجود دارد؛ مانند تفسیر العیاشی که استنساخ گر، اسناد روایات را حذف کرده و طریق خبر مشخص نیست. انتساب اثبات الوصیه به مسعودی و طریق او معلوم نیست. مناقب ابن شهر آشوب، طریق روایات خود را مشخص نمی کند و به این جهت مشکل مربوط به راویان هم دارد؛ مانند ابان بن ابی عیاش (م ۱۳۸ق) در طریق کتاب سُلیم بن قیس که در رجال ضعیف خوانده شده است. ر.ک: کتاب سُلیم،

ج ۱، ص ۱۵۷-۲۳۴، به ویژه صفحه ۲۱۶ درباره ابان. به این جهت، بحث ما در استناد به این روایات، با صرف نظر از مباحث سندی و رجالی است.

[۳۳] هلالی، سُلیم بن قیس، کتاب سُلیم، ج ۲، ص ۵۸۱.

[۳۴] هلالی، سُلیم بن قیس، کتاب سُلیم، ج ۲، ص ۶۵۶.

[۳۵] هلالی، سُلیم بن قیس، کتاب سُلیم، ج ۲، ص ۶۲۵.

[۳۶] هلالی، سُلیم بن قیس، کتاب سُلیم، ج ۲، ص ۵۸۱ و۶۵۷.

[۳۷] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰.

[۳۸] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۵۰.

[۳۹] حسکانی، عبیداللّٰه بن عبداللّٰه، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷.

[۴۰] حسکانی، عبیداللّٰه بن عبداللّٰه، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷.

[۴۱] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۴۵۵.

[۴۲] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۳۶.

[۴۳] صفار، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۹۳.

[۴۴] ابن ندیم الفهرست، ص ۳۰.

[۴۵] عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیرالعیاشی، ج ۳، ص ۷۰.

[۴۶] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۳۱.

[۴۷] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۶.

[۴۸] مفید، محمدبن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج ۴، ص ۸۱.

[۴۹] فیض کاشانی، محسن، تفسیرالصافی، ج ۱، ص ۴۷.

[۵۰] زنجانی، ابوعبداللّٰه، تاریخ القرآن، ص ۷۶.

[۵۱] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۲۲.

[۵۲] هلالی، سُلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۰.

[۵۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص ۵۸۲.

[۵۴] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۵۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۱.

[۵۵] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۳۳.

[۵۶] ر.ک: زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۶.

[۵۷] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص

.۳۳۵

[۵۸] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۳۷.

[۵۹] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۲۶.

[۶۰] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲.

[۶۱] همان، ح ۱.

[۶۲] همان، ح ۳؛ صفار قمی، محمدبن حسن، بصائرالدرجات، ص ۴۳.

[۶۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۴.

[۶۴] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵.

[۶۵] ر.ک: عاملی، اکرم برکات، حقیقه مصحف فاطمه عندالشیعه.

[۶۶] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۴۲، ح ۷۱.

[۶۷] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۴۵.

[۶۸] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۴۳.

[۶۹] قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی والتدوین المبکر، ص ۲۳.

[۷۰] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۳.

[۷۱] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۶.

[۷۲] به عنوان نمونه به روایت صفحات ۱۶۶ و ۱۶۵ و ۱۴۷ مراجعه کنید.

[۷۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۳۹؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۳.

[۷۴] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۵.

[۷۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱.

[۷۶] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.

[۷۷] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۳.

[۷۸] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱.

[۷۹] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۸.

[۸۰] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۰.

[۸۱] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۴ و ۱۴۳.

[۸۲] مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۰۰.

[۸۳] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۵.

[۸۴] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص

۲۴۲ و ۲۴۰؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۱ و ۱۵۷.

[۸۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱. در روایت آمده: «مثل فخذ الفالج.».

[۸۶] ر.ک: صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۷۹، ح ۳. روایت چنین است: «کانت معلقه فی ذوابه السیف او قرابه.».

[۸۷] مصطفی قصیر این نظریه را نقل می کند، اما قائل آن را مشخص نمی سازد. ر.ک: قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص ۵۷.

[۸۸] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.

[۸۹] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.

[۹۰] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۰.

[۹۱] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.

[۹۲] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۷.

[۹۳] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۷.

[۹۴] حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۱۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲.

[۹۵] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۲.

[۹۶] مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۹، ص ۱۴۳.

[۹۷] پیش تر، منابع این روایات را آورده ایم.

[۹۸] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۷؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۴۱.

[۹۹] محدثین اهل سنت، به ویژه شارحان صحیح بخاری، مانند نووی و ابن حجر عسقلانی و عینی، این اخبار را مستمسک کرده، روایات دیگری را که از طریق اهل سنت درباره علوم علی (ع) و اهل بیت رسیده، مورد هجمه قرار داده اند و شیعه را از این جهت برای نقل این روایات ملامت کرده اند. ر.ک: قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص ۵۶ – ۶۳.

[۱۰۰] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱: «صحیفه طولها سبعون ذراعاً فی عرض الأدیم

مثل فخذ الفالج.».

[۱۰۱] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سُلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۵۷.

[۱۰۲] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.

[۱۰۳] ر.ک: همان، ص ۱۶۱ و ۱۶۰ و ۱۴۳ و ۱۴۲.

[۱۰۴] خطیب بغدادی، تقییدالعلم، ص ۳۴ و ۳۳، به نقل از رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۴۰۱.

[۱۰۵] ر.ک: جولد تسیر [گلدزیهر] اجنتس، مذاهب التفسیرالاسلامی، ترجمه عبدالعلیم نجار، ص ۱۶.

[۱۰۶] ر.ک: معرفت، محمد هادی، صیانهالقرآن من التحریف، ص ۲۱۱ – ۲۲۰.

[۱۰۷] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۰.

[۱۰۸] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۱.

[۱۰۹] حسکانی، عبیداللّه بن عبداللّه، شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۳۸.

[۱۱۰] صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۴۰۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۹۹.

[۱۱۱] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۶.

[۱۱۲] ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۸۸ و ۷۴؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۹۳.

[۱۱۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سُلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۵۹.

[۱۱۴] درباره چگونگی برخورد با حدیث نبوی، ر.ک: ابوریه، محمود، اضواء علی السنهالمحمدیه، ص ۱۲۱.

[۱۱۵] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوارج ۴۲، ص ۲۱۴، ح ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۳۰ و ۳۳؛ مفید، الارشاد، ص ۱۰.

[۱۱۶] صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۶۳.

[۱۱۷] طوسی، اختیار معرفهالرجال (رجال کشی)، ص ۲۲۴. درباره روایات ابوالخطاب و مذمت او از سوی امام صادق (ع)، ر.ک: همان، ص ۲۹۴ – ۲۹۵.

[۱۱۸] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۸؛ مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۲۱ – ۱۲۲.

[۱۱۹] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۵۳ و ۵۲.

[۱۲۰] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۵۰.

[۱۲۱] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۰۷.

[۱۲۲]

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۱۲۱ و ۱۳۸.

[۱۲۳] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ص ۱۲۷ و ۱۳۸.

[۱۲۴] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ص ۱۶۳؛ محدث قمی، عباس، سفینهالبحار، ج ۴، ص ۲۶۴.

[۱۲۵] محدث قمی، عباس، الکنی والالقاب، ج ۱، ص ۳۰۴.

[۱۲۶] تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۵.

[۱۲۷] قبانچی در کتاب مسندالامام علی، عمده مطالب جلد اول و دوم را به روایاتی اختصاص داده که از حضرت در باب قرآن نقل شده است. حجم این روایات، گویای نقل گسترده ائمه (ع) از حضرت در باب تفسیر است؛ گر چه برای ما روشن نیست که ائمه (ع) چقدر در باب تفسیر قرآن سخن گفته اند، و آن چه برای قضاوت به ما رسیده همین مقدار است. البته باید در کنار این روایات، روایات دیگری را که از طرق ابن عباس، حسن بصری، ابن جبیر و دیگران نقل شده و صریحاً نام حضرت در آن ها نیامده است، اما شواهد گویای آن است که از اهل بیت (ع) باشند، به حساب آورد.

[۱۲۸] الکافی، ج ۲، ص ۴۶۲.

[۱۲۹] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۳۰] ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰.

[۱۳۱] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۷۴.

[۱۳۲] ر.ک: همان، ص ۳۷۵ – ۳۷۷.

[۱۳۳] بقره، آیه ۱۳۷.

[۱۳۴] ابن بطوطه، رحله، ج ۱، ص ۵۴؛ ابن کثیر، فضائل القرآن، ص ۵۱.

[۱۳۵] رومی، فهد، دراسات فی علوم القرآن، ص ۹۵.

[۱۳۶] زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۳.

[۱۳۷] زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۳.

[۱۳۸] ر.ک: صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۸۸.

[۱۳۹] ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰.

[۱۴۰] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۷۴، به نقل از: مقریزی، خطط، ج ۱، ص ۴۸۰.

[۱۴۱] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۷۴، به نقل از: مقریزی،

خطط، ج ۱، ص ۴۸۰.

[۱۴۲] رکنی، محمد مهدی، نامه هدایت، پیوست ها از صفحات ۲۶۰ به بعد.

[۱۴۳] ر.ک: خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۵۷.

[۱۴۴] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص ۱۰۵ - ۱۲۰.

[۱۴۵] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص ۲۳۵، ح ۲؛ مازندرانی، ملاصالح، شرح اصول الکافی، ج ۱۱، ص ۷۶.

[۱۴۶] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ح ۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۸۸، ح ۲۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۲، ص ۶۳۳، ح ۲۳.

[۱۴۷] قفاری، ناصر بن عبداللّٰه بن علی، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج ۱، ص ۲۰۲.

[۱۴۸] قفاری، ناصر بن عبداللّٰه بن علی، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۶ و ۲۲۹.

[۱۴۹] این کتاب را محمد باقر انصاری تحقیق، و نشر الهادی در سه مجلد منتشر کرده است.

[۱۵۰] تهرانی، آقا بزرگ. الذریعهالی تصانیف الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۷۶.

[۱۵۱] ر.ک: معرفت، محمدهادی، صیانهالقرآن من التحریف، ص ۲۲۵.

[۱۵۲] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، کتاب فضل القرآن.

[۱۵۳] خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۹۴؛ نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۳۳۸؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ص ۲۶۴.

[۱۵۴] تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۵۰۰. به همین دلیل رجالیون برخی از طرق حدیثی یونس را معلول و دارای مشکل دانسته اند؛ مثل طریق محمد بن عیسی. ر.ک: اردبیلی، جامع الرواه، ج ۲، ص ۳۵۷.

[۱۵۵] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۳، ص ۸۲.

[۱۵۶] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۳، ص ۸۲.

[۱۵۷] تفصیل این موارد را می توانید در: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۳، ص ۸۲ - ۸۵ ببینید.

[۱۵۸] عمیدی، ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج ۲، ص ۳۴۴.

[۱۵۹] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۲،

ص ۶۳۴، پاورقی شماره ۳، تحقیق علی اکبر غفاری.

[۱۶۰] عمیدی، ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج ۲، ص ۳۴۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹